

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

زندگی و اندیشه آیت‌الله

سید محمدعلی قاضی طباطبایی (ره)

غلامرضا گلی زواره

بسم الله الرحمن الرحیم

زندگی نامه شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی (ره)

نویسنده:

غلامرضا گلی زواره

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زندگی نامه شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی(ره)

مشخصات کتاب

سرشناسه: گلی زواره، غلامرضا، ۱۳۳۷ -

عنوان و نام پدیدآور:زندگی نامه شهید آیت الله سیدمحمدعلی قاضی طباطبایی(ره)/ غلامرضا گلی زواره؛ [تهیه کننده] مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۵۷ص.

فروست: (مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما؛ ۱۴۹۹)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۲۲-۱

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۵۵ — ۵۷؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: قاضی طباطبایی، محمدعلی، ۱۲۹۱؟-۱۳۵۸ ــ سرگذشتنامه.

موضوع: مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۸ ۸گ۲ق/BP۵۵/۳

رده بندی دیویی: ۹۹۸/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۴۸۱۱۴

ص:۱

اشاره

ص:۳

زندگی نامه شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی(ره)

کد: ۱۴۹۹

نویسنده: غلامرضا گلی زواره

ویراستار: ابوذر هدایتی

تهیه کننده: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ناشر: دفتر عقل

نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۴۰۰

بها: ۱۲۰۰۰ ریال

نشانی: قم، بلوار امین، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

تلفن: ۲۹۱۹۶۷۰ _ ۰۲۵۱ دورنگار: ۲۹۱۵۵۱۰

تهران: خیابان جام جم، ساختمان شهید رهبر، طبقه زیرزمین

تلفن: ۲۲۰۱۴۷۳۸ نمابر: ۲۲۱۶۴۹۹۷

info@irc.ir www.irc.ir

شابک: ۱-۲۲-۵۵۶۳-۶۰۰- ۹۷۸ / ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۲۲-۱

فهرست مطالب

دیباچه

دیباچه

دهه شصت انقلاب اسلامی، دوران پرآشوبی را پشت سر نهاد. در این عصر پرالتهاب، دشمنان اسلام و ایران، ستارگان تابناکی را از آسمان به زیر کشیدند و با کینه و عناد خود، تیشه بر ریشه سروقامتانی چند زدند؛ یکی از این سروقامتان، شهید قاضی طباطبایی بود. وی که از خاندانی اصیل و دانشمندپرور برخاسته بود، برای کسب دانش به مراکز مهم تشیع همچون نجف و قم پای نهاد و پس از پیمودن مراحل دانش اندوزی و رسیدن به مرتبه اجتهاد، برای انجام وظیفه به وطن بازگشت. از آنجا که وی راه اصلاح جامعه را اصلاح ساختار حکومت می دانست، به مبارزه با طاغوت روی آورد و در راه مبارزه، به کرمان و زنجان تبعید شد. قاضی طباطبایی در آستانه انقلاب، به موج خروشان مردم تبریز پیوست و رهبری قیام را برعهده گرفت. در سال ۱۳۵۸ امام خمینی رحمه الله به دلیل مقبولیت مردمی قاضی، او را نماینده خود در استان آذربایجان غربی و امام جمعه تبریز کرد. ضدانقلاب در پوشش گروه «فرقان» که حضور قاضی طباطبایی را برای روشن گری در راه انقلاب خطرناک می دید، وی را در روز عید قربان ۱۳۵۸ ترور کرد. آنچه در پی می آید، سیری گذرا در

زنـدگی و انـدیشه هـا و مبـارزات آن نسـتوه راه حق و حقیقت است که پژوهشـگر ارجمنـد، جنـاب آقای غلامرضا گلی زواره نگاشته است. امید است این اثر در سی امین سال عروج ملکوتی آن شهید والامقام، ره توشه ای برای کمال جویان باشد.

راهش پر رهرو باد

پیشگفتار

پیشگفتار

تاریخ پرافتخار انقلاب اسلامی ایران، با فراز و فرودها و حوادث گوناگونی روبه رو بوده و همچون هر نهضتی، باید دو مرحله پایه ریزی و مرحله استقرار و پایداری را تجربه می کرده است.

ضمن آنکه برای هر یک از این دو مرحله، هزینه های سنگینی را پرداخته است. بی شک، از حوادث تأثیرگذار و خونباری که برخلاف خواست دشمن سبب استقرار پایه های انقلاب و ریشه دواندن آموزه های آن در دل و جان مردم گردید، حوادث دهه شصت انقلاب است. در آن سال ها منافقان کوردل برای به زانو درآوردن رهبران این نهضت و نابودی آن، دست ناپاک خود را به خون پاکان آلودند و در راه هدف نامقدس خود، هر که را داعیه انقلاب و پیروی از خط ولایت و رهبری داشت، به خاک و خون کشیدند. آنان در این راه از مردم کوچه و بازار تا رهبران نفوذی را هدف ترور خود قرار دادند. از رهبران شاخص و محوری مورد هدف در این توطئه ها، به شهدای محراب می توان اشاره کرد؛ همانان که با درایت سیاسی و نظامی، نماز جمعه را سنگری در برابر تهاجم کفر و نفاق و افشای توطئه پیدا و پنهان آنان ساخته بودند.

ازاین رو، دشمن نیز از پای ننشست و برای جلوگیری از آثار چنین حرکت عبادی ــ سیاسی، این سنگربانان عرصه عبادت و سیاست را هدف قرار داد و آنان را به خاک و خون کشید.

دانشمند شهید، آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی که نخستین شهید محراب نماز عبادی و سیاسی جمعه در انقلاب اسلامی ایران است، در زمره بزرگ مردانی جای دارد که به زیور وارستگی و پارسایی، خلوص و خردمندی آراسته بود. وی فقیهی فرزانه بود که با رفتار و کردارش و قلم و بیانش، فضل و فضیلت را ترویج داد؛ همان عالم عاملی که برای احیا و گسترش ارزش های معنوی و زدودن تیرگی های جهالت و ستم، لحظه ای آرام نگرفت و بدون واهمه از ستمگران وقت و کارگزاران استبداد، با استقامت و قاطعیت خاصی به پیشواز خطرات رفت.

اگرچه در نهضت امام خمینی رحمه الله، علمای شهید تبریز، سرزمین دلیران و حماسه آفرینان، حضوری فعال و تأثیرگذار داشتند، مسئولیت رهبری در قلمرو آذربایجان به عهده آن شهید بود و او تنها کسی است که راه درست انقلاب را با الهام از رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در آن خطّه پیگیر بود. رژیم پهلوی که تلاش ها و همت همه جانبه و استواری او را در مسیر قیامی اسلامی نمی توانست تحمل کند، نخست به دستگیری و تبعید ایشان اقدام کرد و سپس برای مخدوش ساختن شخصیت محبوب، مردمی و مبارز ایشان، نقشه هایی را به کار بست که متأسفانه آن مجاهد نستوه را در محاق مظلومیت قرار داد. در مقابل، آن شهید نیز بی توجه به چنین نیرنگ هایی با تمام گرفتاری هایی که داشت، پرچم مبارزه را در اوج اختناق بر دوش کشید و جوان های انقلابی و فعال را مخفیانه هدایت و رهبری کرد و کم کم نقشه های مخالفان و منافقان نقش بر آب گردید.

در نوشتار حاضر که در شش فصل سامان یافته است، با گوشه هایی از زندگی علمی و فرهنگی، فضیلت های اخلاقی، سیره مبارزاتی و دیدگاه هایش آشنا خواهید شد.

غلامرضا گلی زواره

فصل اول: ولادت و تحصیلات

اشاره

فصل اول: ولادت و تحصیلات

زیر فصل ها

خاندان نکونام

خانواده و دوران کودکی

فراگیری دانش و راه و رسم مبارزه

هجرت به سوی قم

اقامت در نجف

دریافت اجازه اجتهاد و روایت

خاندان نکونام

خاندان نکونام

خانـدان قاضـی، شـاخه ای از سـادات طباطبایی هسـتند که نسب آنها از طریق ابراهیم طباطبا به امام حسن مجتبی(ع) می رسـد. ابراهیم از یـاران امام جعفر صادق(ع) بود و پیوسـته خانـدان خویش را به ایجاد حکومت مورد نظر اهل بیت(ع) فرا می خوانـد. گروهی از سادات نسل وی، به اصفهان کوچ کردند که یکی از این مهاجران، شهاب الدین بود.

امیر عبدالغفار طباطبایی از نوادگان وی، پایه گذار سلسـله سادات قاضـی طباطبایی در آذربایجان است. این فقیه دانشور، افزون بر توانـایی در دانش های عقلی و نقلی، در علوم غریبه نیز مهارت داشت. او که از اصـفهان به زواره رفته بود، پس از مـدت ها سیر و سـفر و دانش انـدوزی، به دعوت سـلطان حسن بیـک، از امیران آق قویونلو، به آذربایجـان رفت و در شـهر تبریز اقـامت گزیـد. سـلطان بـه دلیـل توانـایی هـای علمی و نفـوذ اجتمـاعی و سیاسـی امیر عبـدالغفار، او را بـه امر قضـاوت حکـم داد. امیر عبـدالغفار، زمام امور دینی، شـرعی و قضایی گسترده منطقه ای را در اختیار گرفت و از این راه، آموزه های قرآن و عترت نبی اکرم صلی الله علیه و آله را گسترش داد.

وقتی امیر عبدالغفار در سال ۸۷۷ هـ .ق درگذشت، فرزندش، امیر سید سراج الدین امیر عبدالوهاب طباطبایی، به جای وی نشست. امیر عبدالوهاب در روزگار سلطان سلیم اول و دوم، پادشاهان عثمانی می زیست و «شیخ الاسلام» تبریز بود. هنگام روی کار آمدن شاه اسماعیل صفوی (۹۰۵ _ ۹۳۰ هـ .ق) در هرات به سر می برد. سلطان حسین بایقرا و فرزندش، بدیع الزمان، به وی احترام می گذاشتند و بر اساس نظر این دو فرمانروا، به امور شرعی و قضایی مردم کرمان رسیدگی می کرد. سپس وی به تبریز بازگشت. شاه اسماعیل که به توانایی های فکری، فقهی و علمی او پی برد، از امیر عبدالوهاب تجلیل کرد و او را در سال ۹۲۱ هـ . ق، به عنوان سفیر نزد سلطان سلیم اول فرستاد، ولی پادشاه عثمانی نتوانست این شخصیت شیعه را با وجود امتیازها و توانایی های علمی اش تحمل کند. ازاین رو، او را بازداشت کرد و روانه زندان ساخت و امیر عبدالوهاب در زندان درگذشت.(۱)

خاندان «قاضی» از دیرباز جزو دانشمندان دیار تبریز بودند که چندین قرن به حل و فصل امور اجتماعی و شرعی مردم می پرداختند. آنان با حاکمان ستمگر مبارزه می کردند و دفاع از دیانت و بیان حقایق را وظیفه اصلی خود می دانستند و در این راه از مقام های درباری نمی هراسیدند.

برای نمونه، در زمان ناصرالدین شاه قاجار، استاندار آذربایجان، فردی نالایق بود. حاج میرمحسن قاضی در نشستی که گروهی از بزرگان منطقه حاضر بودند، با خواندن این بیت به حاضران گفت که این فرد شایستگی چنین مقامی را ندارد:

۱- سید محمد محیط طباطبایی، تطوّر حکومت در ایران بعد از اسلام، تهران، بعثت، ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۱۴۲؛ سید محمدعلی قاضی طباطبایی، نسخه خطی کتاب خاندان آل عبدالوهاب، موجود در کتاب خانه شهید آیت الله قاضی طباطبایی.

تا رشته به دست این ملنگ است

این قافله تا به حشر لنگ است

تا این خبر به دربار رسید، به احترام نظر این فقیه مبارز، آن استاندار، برکنار و کس دیگری به جایش گمارده شد.(۱)

خانواده و دوران کودکی

خانواده و دوران کودکی

حاج میرزا باقر قاضی (۱۲۸۵ _ ۱۳۶۶ ه_ .ق) مقدمات علوم دینی، از جمله اصول، کلام و منطق را در حوزه علمیه تبریز از محضر میرزا محمود اصولی، سید علی یزدی و حاج میرزا محمدعلی قراچه داغی آموخت. در سال ۱۳۰۸ ه_ .ق، برای تکمیل تحصیلات به نجف رفت و نزد میرزای شیرازی، میرزا حبیب الله رشتی و میرزا محمدباقر اصطهباناتی، خارج فقه و اصول را فرا گرفت و به درجه اجتهاد رسید. او در سال ۱۳۲۴ ه_ . ق به وطن بازگشت و عمر بابرکت خود را صرف آموزش و تربیت نسل جوان و علاقه مندان فرهنگ تشیع کرد. شجاعت علوی، شهامت حسینی و بردباری حسنی، از ویژگی های مهم وی به شمار می آمد. میرزا باقر که مجتهدی دین دار و شخصیتی برجسته در منطقه آذربایجان بود، هم زمان با فعالیت های آموزشی و تربیت طلبه، در زمینه های اعتقادی و فقهی نیز آثار ارزش مندی نوشت.(۲)

روز یک شنبه، ششم جمادی الاول سال ۱۳۳۱ ه_ .ق، میرزا باقر صاحب فرزندی به نام سید محمدعلی شد. سید محمدعلی هم زمان با پرورش یافتن عاطفی و اخلاقی در دامان خانواده، برخی مقدمات را نزد

۱- سید محمد محیط طباطبایی، تطوّر حکومت در ایران بعد از اسلام، تهران، بعثت، ۱۳۶۷، چ ۱، ص ۱۴۲؛ سید محمدعلی قاضی طباطبایی، نسخه خطی(بدون صفحه است).

۲- سید محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت (لبنان)، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ ه_ .ق، چ ۳، ج ۳، ص ۵۵۳؛ میرزا محمدعلی مدرس تبریزی، ریحانه الادب، تهران، خیام، ۱۳۷۴، چ ۳، ج ۴، ص ۴۵.

پـدرش آموخت. سـپس میرزا محمدحسـین و حاج میرزا اسـدالله قاضـی که مربیان دل سوز و دانشوری بودنـد، تربیت وی را به عهـده گرفتنـد. ایـن دو کـه عموهـای سـید محمـدعلی بودنـد، در شـکل گیری شخصـیت علمی و فکری او نقش اثرگـذاری داشتند.(۱)

فراگیری دانش و راه و رسم مبارزه

فراگیری دانش و راه و رسم مبارزه

کم کم شـرایط بهتری برای فراگیری علوم دینی فراهم شد. در این زمان، سـید محمدعلی که پانزده سال داشت، در مسجد اول بازار شـیشه گرخانه درس می خوانـد. وی سـرانجام به مدرسه طالبیه تبریز(۲) رفت تـا از اسـتادان این حوزه بهره منـد شود و با دوستانش درس ها را مرور کند و نکته های علمی را بهتر بیاموزد.

با گسترش بیـدادگری رضاخان و ستیز وی با ارزش های مـذهبی، مردم تبریز هم گام با مردم دیگر شـهرهای ایران قیام کردند. در آن اوضاع آشـفته، سـید محمـدعلی که کنجکاو و هوشـیار بود، رفتارهای سیاسـی پـدر و شـیوه های هدایتی او را دنبال می کرد. بدین گونه راه و رسم ستیز با نادانی و مبارزه با زورگویان را آموخت.(۳)

سیـد محمـدعلی، نخستین تجربه مبـارزه را در دوره نوجوانی و در شـانزده سـالگی فراگرفت. هنگام انقلاب مردم تبریز در سال ۱۳۰۷ (۱۳۴۸ ه_ . ق)، عالمان این دیار، آواره گشـتند و به شـهرهای دوردست تبعیـد شدند. آقا میرزا باقر قاضـی طباطبایی، به همراه پسرش، سید محمدعلی به تهران تبعید شد. این کوچ ناخواسته حدود دو ماه طول کشید. سپس وی به مشهد منتقل شد.

۱- محمد عاصفی، مختصری از تاریخ زندگی علّامه شهید قاضی طباطبایی، ص ۹.

۲- این مـدرسه را میرزا ابوطـالب، وزیر آذربایجـان بنیـان نهـاد و در بازار تبریز قرار داشت. دالان آن به مسـجد جامع تبریز می رسد.

۳- غلامرضا گلی زواره، کاروان علم و عرفان، قم، حضور، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۴۷.

یک سال در مشهد ماند و پس از آن، به زادگاه خود بازگشت. در این دوره، سید محمدعلی به خوبی رضاخان را شناخته بود. در ایام تبعید میرزا باقر، مأموران رضاشاه، خانه او را ویران و زمینش را مصادره کردند. هنوز رنج دوران تبعید التیام نیافته بود که استاد و عمویش، میرزا اسدالله قاضی درگذشت.(۱)

هجرت به سوی قم

هجرت به سوی قم

سید محمدعلی، مدت ده سال در تبریز سرگرم فراگیری دانش بود. در سال ۱۳۵۹ ه‍ـ.ق برای تکمیل دانسته های خویش در عرصه علوم اسلامی، به قم رفت و از محضر استادان برجسته حوزه بهره های فراوان برد.

در آن زمان، امام خمینی رحمه الله که استاد نامداری در رشته فلسفه بود، دو کتاب مهم شرح منظومه سبزواری و اسفار ملاصدرا را تدریس می کرد. سید محمدعلی با آگاهی از این موضوع، با شور و شوق بسیار در حوزه درس امام شرکت کرد و آرام آرام، پیوند صمیمانه ای میان او و رهبر انقلاب برقرار شد.(۲)

سید محمدعلی افزون بر حکمت و فلسفه، خارج اصول فقه را از امام خمینی رحمه الله آموخت و در عرصه های گوناگونی، از دانش و اندیشه امام بهره مند گشت. وی در اللوامع، امام را جزو افرادی معرفی کرده است که از آنها اجازه روایت داشت. او در سال های خفقان شاهنشاه، مرادش را «مرجع اکبر و اشهر» می نامید و در فرصت های گوناگون اندیشه های والای امام خمینی رحمه الله را بیان می کرد. قاضی طباطبایی نزد آیات عظام

۱- غلامرضا گلی زواره، کاروان علم و عرفان، قم، حضور، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۴۹؛ مجله ی پیام انقلاب، هشتم آبان ۱۳۶۱، شماره ۷۰، ص ۵۵_۵۴.

۲- در برخی منابع او در شمار برجسته ترین شاگردان مبارز امام خمینی رحمه الله معرفی شده است. نک: سید محمد روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱، ص ۴۳.

گلپایگانی، حجت کوه کمری و سید صدرالدین صدر نیز به تکمیل متون فقهی و فراگیری دانش درایه و رجال پرداخت.(۱)

اقامت در نجف

اقامت در نجف

سیـد محمدعلی، ده سال در قم سـرگرم دانش اندوزی بود. با گذشت هر روز، عطش او در کسب معرفت افزون تر می شد. او دریافته بود که از حوزه علمیه نجف نیز باید بهره مند شود. ازاین رو، در ۱۳۶۹ ه‍ــ.ق راهی عراق شد و در نجف اقامت گزید. وی پس از زیارت حرم مقدس امیر مؤمنان علی(ع) و توسل به ایشان برای موفقیت در راه دانش اندوزی، به حوزه های درسـی آن دیار راه یافت و به مـدت سه سال از بزرگان و دانشورانی چون آیات عظام سـید محسن حکیم، سـید عبـدالهادی شـیرازی، کاشف الغطا، شیخ عبدالحسین رشتی، حاج میرزا باقر زنجانی و بجنوردی بهره برد.

در میـان اسـتادان نجف، وی به شـیخ محمدحسـین کاشف الغطا احترام ویژه ای می گـذاشت و با آن فقیه فرزانه، اُنس و اُلفتی برقرار کرده بود. عاملی که این جاذبه را پدید آورد، تزکیه نفس، فضیلت های اخلاقی، مهارت علمی و گستردگی نظر کاشف الغطا در عرصه های سیاسـی و اجتماعی بود. این مرد بزرگ به عزت اسـلام و مسـلمانان می اندیشید و می کوشید مسلمانان به هویت اصـیل خویش بازگردنـد. او وضع نابسامان کشورهای اسـلامی را نگران کننـده می دانست و چنـدین بار در میدان نبرد حضور یافت تا با سلطه طلبی استعمار انگلستان بجنگد.(۲) کاشف الغطا در یکی از نامه هایش خطاب به آیت الله قاضی نوشته است:

ای سید والامقام و دانشمند محترم و بزرگوار، از اکنون چنین می نگرم

۱- علی اصغر شعردوست، مجلس نشین قدس، قم، نشر دانش اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۲ ــ ۲۳.

۲- پژوهشکده باقرالعلوم، دیدار با ابرار، تهران، ج ۴، سازمان تبلیغات اسلامی معاونت پژوهشی، صص ۴۵ و ۴۶.

که مردم آذربایجـان به طور عمومی و اهـالی تبریز خصوصاً، از هـدایت گری های شـما اسـتفاده می کننـد و چه زود است که اثرات خدمات و تلاش های ارزنده شـما در یاری حق و نابودی باطل، محسوس و قابل لمس باشد. در یاری حق، چه کسـی از شما بهتر است.

پدر روحانی شما، محمدحسین.(۱)

حاج میرزا علی طباطبایی، عموزاده شهید قاضی گفته است:

چون در سال ۱۳۷۱ هـ.ق برای دیـدار والده ام که در نجف اقامت داشت، به حضور آیت الله العظمی کاشف الغطا رسـیدم و کتاب جنه المأوی را که شـهید قاضـی طباطبایی فرسـتاده بود، تقدیم آن فقیه مبارز نمودم، فرمود: در فامیل شما کسی همچون ایشان نمی باشـد. گل پر عطری است که بایـد از رایحه آن اسـتفاده شود. به شـما و تمام ساکنین آذربایجان توصـیه می نمایم، اجازه ندهید این گل معطر پرپر گردد.(۲)

دریافت اجازه اجتهاد و روایت

دریافت اجازه اجتهاد و روایت

قاضـی طباطبـایی در قم و نجف اشـرف، از مراجع و اسـتادان برجسـته، اجازه روایت، اجتهاد یا وکالت در امور شـرعی دریافت کرد. از یک سو، پایگاه فقاهتی شخصـیت هایی که این اجازه نامه ها را صادر کرده اند، بسـیار والاست؛ زیرا آنان جزو بزرگ ترین و پارسـاترین عالمـان قرن اخیر بوده انـد، بزرگـانی که دوست و دشـمن به مقـام علمی و دینی ایشان نظر دارنـد. از سوی دیگر، دریافت هر کدام از مجوزها، نشانه جایگاه ویژه آیت الله قاضی طباطبایی در قلمرو فقه است.

اینک به معرفی اجازه نامه ها و صادرکنندگان آنها، بر اساس تاریخ صدور می پردازیم:

۱- شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، الفردوس الاعلی، پاورقی ص ۶۴.

۲- مختصری از تاریخ زندگانی علامه شهید قاضی طباطبایی، ص ۱۸.

۱. شیخ آقابزرگ تهرانی، صاحب کتاب الذریعه و آثار ارزشمند دیگر

۲. شیخ مرتضی تبریزی چهرگانی.

۳. آیت الله میرزا باقر قاضی، پدر ایشان.

۴. بانو سیده نصرت امین.

۵. آیت الله شیخ عبدالنبی عراقی (اراکی).

۶. آیت الله سید محمد حجت کوه کمری.

۷. آیت الله سید صدرالدین صدر، صاحب کتاب الهدی.

۸. آیت الله میرزا محمد تهرانی عسکری، در سال.

۹. آیت الله شیخ محمدحسین کاشف الغطاء.

۱۰. آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین عاملی.

۱۱. آیت الله سیدمحسن حکیم (وکالت نامه) و (اجازه اجتهاد و وکالت نامه در امور حسبیه).

۱۲. آیت الله سید محمدجواد طباطبایی تبریزی.

۱۳. آیت الله محمدهادی میلانی.

۱۴. آیت الله میرزا حسن بجنوردی.

۱۵. آیت الله سید ابوالقاسم خویی.

۱۶. آیت الله سید محمدرضا گلپایگانی.

۱۷. آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی.

۱۸. آیت الله سید محمود شاهرودی.

۱۹. علامه سید محمدحسین طباطبایی.

فصل دوم: دوران مبارزه

اشاره

فصل دوم: دوران مبارزه

زیر فصل ها

روشنگری مبارز

روشنگری مبارز

آیت الله قاضی طباطبایی پس از سه سال اقامت در نجف و بهره مندی از استادان پرآوازه آن دیار، بنا به دلایل خانوادگی و برخی دشواری ها، ناگزیر به زادگاه خود بازگشت. در این زمان، ایشان ۴۲ سال داشت و مجتهدی توان مند و دانشمندی خردمند و امام جماعت مسجد مقبره(۱) تبریز بود.

او هم زمان با فعالیت های گسترده تبلیغی، آموزشی و فرهنگی، در عرصه سیاسی و اجتماعی نیز کوشا و اثرگذار بود. در سال ۱۳۴۲ خورشیدی که قیام شکوهمند پانزده خرداد شکل گرفت، مردم و عالمان تبریزی، حضور درخشانی داشتند. رهبری مردم در برگزاری راه پیمایی ها، افشاگری ها، تعطیلی بازارها و برپایی و اجتماع های بزرگ در برابر استانداری، شهربانی، اتاق بازرگانی و خانه بزرگان شهر، به عهده شهید قاضی بود. او با الهام از سخنان امام خمینی رحمه الله این نقش ویژه را به خوبی ایفا می کرد. روشنگری و مبارزات وی به اندازه ای برای کارگزاران رژیم، تهدیدکننده و هراس آور بود که در سال های ۱۳۴۲ و ۱۳۴۳ خورشیدی سه بار او را دستگیر و زندانی

۱- این مسجد در ابتدای بازار کفّاشان قرار دارد.

کردنـد. او نخستین کسـی بود که پس از تبعیـد امام به عراق، مجبور شد در نجف زندگی کند. وی پس از یک سال، به تهران بازگشت و حدود نه ماه زیر نظر ساواک بود. پس از آن اجازه یافت به تبریز بازگردد.(۱)

قاضـی طباطبـایی علاقه شدیـد و باوری عمیق به خیزش اسـلامی با رهبری امام خمینی رحمه الله داشت. در سال هایی که بردن نـام امام در سـخنرانی ها و دیگر مجلس ها ممنوع بود، وی آشـکارا نام امام را بر زبان می آورد و خود را شاگرد و پیرو ایشان معرفی می کرد. وی از سال ۱۳۴۳ خورشیدی از مردم می خواست امام خمینی رحمه الله را مرجع تقلید خود بدانند و در همین ایام، بحث ولایت فقیه را بیان می کرد.

رفتار ساواک با قاضـی، نشان دهنده مبارزات خسـتگی ناپذیر اوست. ساواک همیشه اقداماتش را زیرنظر داشت و از سـخنرانی ها و فعالیت های او گزارش دقیق تهیه می کرد. پرونـده چهار جلدی ساواک درباره تلاش های ضدطاغوتی قاضـی که پس از انقلاب چاپ شد، این سخن را تأیید می کند.

نقش قاضــی در هــدایت و رهـبری مبـارزات عالمـان و مردم آذربایجـان بـه گـونه ای بـود کـه او را «خمینی دوم» یـا «خمینی آذربایجـان» نامیدنـد. مردم مسـلمان آذربایجـان، به دلیـل شـناختی که از آگـاهی، ایمان و دل سوزی وی داشـتند، به سـفارش هـایش عمـل می کردنـد و بـا صـدور فرمـان تعطیلی، بازارها تعطیل می شـد. به طور کلی، هیـچ کـدام از راه پیمایی ها بـدون هماهنگی و برنامه ریزی وی انجام نمی شد.(۲)

تبعید به بافت کرمان

تبعید به بافت کرمان

۱- مجلس نشین قدس، ص ۱۴.

۲- «مصاحبه با آیت الله بنی فضل»، مجله پیام انقلاب، ۷ آبان ۱۳۶۳، ش ۹۶، ص ۴۰.

در ۳۰ آذر ۱۳۴۷ که هم زمان با عید سعید فطر بود، مردم راهی مسجد مقبره بازار شدند تا نماز عید فطر را به امامت آیت الله قاضی به جا آورند. قاضی پس از اقامه نماز، اعلام کرد: تمام مشکلات مسلمانان را امریکایی ها و صهیونیست ها به وجود آورده اند. وی با انتقاد از شاه و مزدورانش، آشکارا از امام خمینی رحمه الله حمایت کرد. او با یادآوری حماسه های اسلامی، شوری حسینی در حاضران ایجاد کرد. از این رو، ساواک وی را برای مدت شش ماه به بافت(۱)، از شهرهای استان کرمان تبعید کرد.

آیت الله قاضی در نامه ای خطاب به آیت الله میلانی، وضع خود را در آن زمان این گونه بیان کرد:

شب که از مسجد بعد از ادای فریضه بیرون آمدم، مرا به شهرستان بافت حرکت دادند و در اینجا به جرم اینکه روز عید فطر در بیانات خود به یهود نفرین کرده ام، باید مدتی باشم. هیچ جای نگرانی نیست، فقط تنهایی است، ولی مهر و محبت اهالی تأثرات غربت را زایل می کند و دل شادم که در محل تبعید دچار این پیشامدها می شوم.(۲)

آیت الله قاضی با مقاله های تند و انقلابی و نامه های افشاگرانه از دادگاه هایی انتقاد می کرد که مصلحت رژیم پهلوی را در نظر داشتند و برای حقوق افراد ارزش قائل نبودند. پافشاری وی در فرستادن نامه های اعتراض آمیز سبب شد عوامل رژیم به قاضی پاسخ دهند. ازاین رو، اداره کل سوم ساواک مرکز، به ریاست ساواک کرمان چنین نوشت:

به قاضی طباطبایی ابلاغ شود شما اختیار زبان خود را ندارید و دایم مطالب خلاف مصالح گفته اید و حتی در آخرین مرتبه در مسجد مقبره تبریز سخنان تحریک آمیز در مورد لغو برخی تعطیلات و تشویق

۱- بافت در ۱۲۲ کیلومتری سیرجان قرار دارد.

۲- حسین نجفی، تنهایی و پایداری، ص ۴۷.

روحانیت به دخالت در سیاست بر زبان آورده اید و به همین دلیل، محکوم به اقامت اجباری در شهرستان بافت شده اید.(۱)

اقامت شش ماهه قاضی در این دیار پایان یافته بود که رییس ساواک، در نامه ای به وی نوشت قرار است پس از خاتمه محکومیتش به یکی از شهرستان های شمال کشور انتقال یابد. در پی این تصمیم، در هفتم تیرماه ۱۳۴۸ به وی گفتند باید راهی زنجان شود، ولی او به زنجان نرفت و در یازدهم تیرماه وارد بستان آباد، در حوالی تبریز شد. وقتی ساواک باخبر شد، وی را روز بعد به زنجان منتقل کردند.(۲)

تنها در تنگنا

تنها در تنگنا

با درگذشت آیت الله سید محسن حکیم که قاضی، نماینده وی در آذربایجان بود و جایگاه ایشان را تقویت می کرد و نیز دوری امام خمینی رحمه الله از ایران، شرایط برای این فقیه مبارز سخت شده بود. درگذشت آیت الله میلانی هم بر دشواری ها افزوده بود؛ زیرا این مرجع بیدار، از قاضی بسیار حمایت می کرد. این وضع، روحانی نمایان محلی را بر آن داشت تا به تضعیف جبهه مبارزه و آزار سید بپردازند. آزاررسانی برخی عوامل ریاکار به گونه ای بود که آیت الله قاضی گفت: «از این بابت به جدّم شکایت می برم». مردم به مسجدی که ایشان در آن فعالیت می کرد، توجه ویژه ای داشتند. همین ویژگی، رشک گروهی را برانگیخته بود.

با وجود فشارهای داخلی و خارجی، تبعیدها و نظارت های شدید ساواک، او لحظه ای دست از پایداری برنداشت. زمانی که گروهی از

۱- دیدار با ابرار، ج ۴، ص ۸۳.

۲- دیدار با ابرار، ج ۴، ص ۸۴.

سوی نخست وزیر رژیم پهلوی نزد وی رفتند و از او خواستند به امام نامه ای بنویسد یا خود به دیدار ایشان برود و بگوید امام از اعتراض به شاه دست بردارد و هر چه می خواهد بگوید، آیت الله قاضی پاسخ داد: «امام بهتر از همه ما مسائل را می داند و هر چه بفرماید، پیروی می کنیم. ریشه تمام فسادها شخص شاه است».(۱)

در روزهای پرحادثه انقلاب، بنی احمد، نماینده تبریز در مجلس شورای ملی، با همکاری برخی سازش کاران کوشید خروش مردم تبریز را خاموش کند و به آنان چنین القا کند که توجه به قانون اساسی کافی است. آیت الله قاضی به این نقشه خطرناک و خزنده پی برد و دریافت شاه، بنی احمد را فرستاده است تا ملت آذربایجان را آرام کند. ازاین رو، با افراد صاحب نفوذ تماس گرفت و نقشه بنی احمد را برملا کرد.(۲)

رهبری قیام مردم تبریز

رهبری قیام مردم تبریز

نخستین بیانیه ای که جامعه مدرسین علیه شاه چاپ کرد، درباره خلع وی از سلطنت بود و تصمیم گرفته شد عالمان بزرگ شهرهای ایران نیز این بیانیه را تأیید کنند. وقتی با آیت الله قاضی دراین باره صحبت شد، ایشان گفت: «بفرستید تا امضا کنیم». در تبریز، آیت الله قاضی طباطبایی، حاج سیدحسن انگجی و حاج سید محمدعلی انگجی این موضوع را پذیرفتند و بیانیه را امضا کردند.(۳)

با فرارسیدن اربعین شهدای قم، مراجع و عالمان دیگر شهرها، مردم را به برگزاری باشکوه مراسم یادبود قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ قم فراخواندند. آیت الله

۱- یادواره شهید قاضی طباطبایی، ص ۳.

۲- «شهید قاضی طباطبایی، محبوب مردم آذربایجان»، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱/۸/۱۳۶۱، ص ۲.

۳- مجله پیام انقلاب، ش ۹۶، ص ۴۰.

قاضـی، با هم فکری فقیهانی چون آیت الله حاج سـیدحسن انگجی، با انتشار بیانیه ای، مردم مبارز این سرزمین را به شرکت در مراسم ۱۹ دی دعوت کردند و در پی آن، در سه شـنبه ۲۹ بهمن ۱۳۵۶ خورشیدی، مردم غیرتمند آذری، گروه گروه به سوی مسـجد حاج میرزا یوسف شـتافتند تا در مجلس باشـکوه چهلم شـهدای قم حضور یابنـد. حق شـناس، رییس کلانتری به همراه مـأموران شـهربانی و ساواک در برابر مردم صف کشـیده بودنـد. سـروان حق شـناس، با غرور خاصـی فرمان داد مردم پراکنـده شوند. چون کسـی به گفته هایش اعتنا نکرد، او به ساحت مقدس مسجد اهانت کرد. جوانی این رفتار گستاخانه را برنتابید و با حق شـناس گلاویز شد. سـروان حق شـناس نیز با اسلحه کمری، وی را به شهادت رساند. مردم خشمگین تبریز پیکر خون آلود این قهرمان را بر دوش گرفتند و در خیابان ها به راه افتادند. مأموران به مردم شـلیک می کردند و مردم نیز با سنگ و چوب از خود دفـاع می کردنـد. در این حـادثه، ده ها نفر شـهید یا زخمی و صـدها نفر دسـتگیر شدنـد. در این ماجرا، مرکزهای فساد و فحشا و محل های تجمع فرقه ضاله بهاییت و طاغوتیان نیز ویران شد. علم دار این قیام، آیت الله قاضی بود.(۱)

بیداری و پایداری

بیداری و پایداری

در ۲۱ رمضـان سال ۱۳۹۹ هـ .ق برابر بـا تابسـتان ۱۳۵۷ خورشـیدی، مردم پایـدار تبریز، نمـاز جماعت را در مسـجد مقبره به امـامت آیت الله قاضـی برگزار کردنـد. پس از آن، به دلیـل ممنوع المنـبر بودن ایشـان، واعظی دیگر سـخنرانی کرد. در بیرون مسجد، گروهی که در سوگ شهادت حضرت علی(ع) عزاداری می کردند، با مأموران رژیم شاه درگیر شدند. در این

۱- اظهارات حجت الاسلام و المسلمین سیدحسن موسوی تبریزی، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱/۸/۱۳۶۱، ص ۳.

حال، گروهی از جوانان سوگوار، با سر دادن شعار «مرگ بر شاه»، وارد مسجد شدند. مأموران برای دستگیری آنان خواستند حرمت مسجد را نادیده بگیرند که آیت الله قاضی دستور داد در مسجد را ببندند و نگذارند مأموران وارد شوند. مأموران نیز روی پشت بام مسجد رفتند و در کولرها، گاز اشک آور رها کردند. گروهی آسیب دیدند و چشمان آیت الله قاضی متورم شد، ولی همه در برابر مأموران شاه ایستادند تا مراسم پایان یافت.

وقتی آیت الله قاضی خواست از بازار وارد خیابان فردوسی شود، دژخیمان روبه روی ایشان و یارانش صف کشیدند و فرمانده آنان خطاب به ایشان گفت: «نمی توانید از این سمت بروید؛ زیرا مردم با دیدن شما تحریک می شوند.» قاضی مبارز و شجاع، گام به میدان نهاد و به گونه ای به صورت آن افسر سیلی زد که کلاهش افتاد. سپس فریاد زد: «خجالت نمی کشید این قدر مردم را اذیت می کنید. به شما چه مربوط است که از کجا می خواهیم برویم.» بدین ترتیب، مزدوران شاه با ذلت، خود را کنار کشیدند تا ایشان و همراهان، وارد خیابان شوند.(۱)

راست قامت جاوید

راست قامت جاوید

حضور ایشان در صف نخست راه پیمایی ها، مردم آذربایجان را دلگرم می کرد. آن سید دلاور همواره برای جان فشانی آماده بود. چندین بار که مأموران شاه به سمت راه پیمایان شلیک کردند، ایشان به مسیرش ادامه داد و از راه پیمایان جدا نشد.

قاضی طباطبایی هیچ گاه مردم را در مبارزات رها نکرد. در یکی از سال ها و هنگامی که شماری از کارگران کارخانه های ماشین سازی و تراکتورسازی

۱- کاروان علم و عرفان، ج ۲، صص ۸۶ و ۸۷.

تبریز، برای رویارویی با حکومت شاه، دست از کار کشیدند، او پول قابل توجهی، تهیه و به حسابشان واریز کرد. همچنین از مردم خواست یک وعده در شبانه روز غذا نخورند و پول آن را به کارگران بدهند. هرگاه یکی از مبارزان به شهادت می رسید، پیکرش را به منزل قاضی می بردند تا از آنجا تشییع شود. تشویق مردم به ادامه راه شهیدان، از دیگر کوشش های او بود. در زمان های گوناگون و از جمله هنگام اعتصاب کارکنان شرکت نفت، مردم را به اعتصاب و بستن مغازه ها دعوت می کرد.

بستر سازی، اطلاع رسانی و تبلیغ برنامه های راه پیمایی های بزرگ تاسوعا و عاشورای تبریز از دیگر کارهای ارزنده قاضی بود. ایشان در این حرکت سرنوشت ساز، با وجود خستگی فراوان، پابه پای مردم و دوشادوش مبارزان، مسیر راه پیمایی را پیاده پیمود. همچنین به مردم گفت بهای آب و برق را نپردازند؛ زیرا حکومت شاه نامشروع است و پرداخت پول خدمات عمومی به چنین رژیم ستمگری روا نیست.

در مسجدی که قاضی، امام جماعت بود، سخنرانان توانا، ماهر و مبارز، دعوت و روش ساخت بمب های آتش زا آموزش داده می شد. بارها اتفاق افتاده بود وقتی جوانان پایدار و مبارز دستگیر می شدند، با پی گیری های قاضی از بند ستم گران رهایی می یافتند. هم چنین ایشان برای جلوگیری از اعدام یا شکنجه های کشنده مبارزان جوان، برای مراجع و عالمان بانفوذ نامه می نوشت و آنان را به یاری می طلبید.(۱)

۱- رضا رسولی، شهید قاضی طباطبایی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی، ۱۳۸۳، چ ۱، صص ۲۱ ــ ۲۳.

فصل سوم: تلاش های علمی و فرهنگی

اشاره

فصل سوم: تلاش های علمی و فرهنگی

زیر فصل ها

قله دانش و اندیشه

پژوهشگری پُرمایه

آثار گران سنگ

تألیفات و تحقیقات مستقل

تصحیح، مقدمه و تعلیقه نویسی بر آثار دیگران

قله دانش و اندیشه

قله دانش و اندیشه

دیدگاه مثبت عالمان و مراجع تقلید درباره جایگاه علمی و فکری آیت الله قاضی و اعتبار و مقام ارجمندش در مجامع علمی اسلامی، در داخل و خارج کشور و چاپ مقالاتش در مجله های معتبر عربی چون العرفان، المواهب و رساله الاسلام و همچنین میراث علمی و فکری قاضی طباطبایی که در قالب آثار متعددی برجامانده، نشان دهنده فرزانگی اوست. در اجازات روایتی که برای آن دانشمند شهید صادر شده است، معمولاً ـ این عبارت ها به چشم می آید: «سید دانشور، فاضل مؤید، برگزیده علمای عامل، ناقد خبیر، ثقه الاسلام، مروّج اسلام، علامه مدقّق، مورد وثوق و اعتماد، صاحب نیروی فکری قویم و سلیقه راست و استوار و اندیشه تابناک».

پژوهشگری پُرمایه

پژوهشگری پُرمایه

آیت الله قاضی در مسیر پژوهش ها و گردآوری میراث علمی و فکری، ویژگی های رفتاری خاصی داشت که اکنون برمی شماریم:

۱. به تصحیح کتاب های خطی برخی بزرگان شیعه که از یاد رفته بودند، همت گماشت. وی برای احیای این میراث گران قدر

علمی و

فرهنگی، به منـابعی که در دسترس بود، رجوع می کرد و بـا دقت و موشـکافی ویژه ای به مقـابله می پرداخت. سـرانجام، متنی قابل اعتماد در اختیار پژوهشگران و علاقه مندان به معارف شیعی قرار می داد.

۲. برای همه آثـار خویش، فهرست اعلام، شامل اماکن، اشـخاص، قبایل و کتب تهیه می کرد که برای پژوهشـگران بسـیار راه گشا بود.

۳. بـه دانشـمندان و دانش پژوهـان احـترام ویژه ای می گـذاشت. وی نه تنهـا در آثـارش از آنـان به بزرگی یـاد می کرد، بلکه عبارت های صمیمانه و مهرورزانه نیز به کار می برد و وقتی برخی از آنان به تبریز رفتند، سراغ منزل وی را می گرفتند.

۴. اگر کسـی بر اسـاس مـدرک هـای مسـتند، دلیـل هـای منطقی و برهان های خردمنـدانه، آثارش را نقـد و ارزیابی می کرد، نـاراحت نمی شـد، بلکه منتقـد را می سـتود. اگر در برابر انتقـاد، پاسـخ مناسبی داشت، مؤدبانه بیان می کرد و در پایان، توفیق منتقد را از خداوند یکتا می خواست و برای وی دعا می کرد.

۵. اگر می خواست اثری را ارزیابی کند، همه مطلب را به دقت می خواند و محورهای مهم را بررسـی می کرد. هر جا به رد یا توضیح نیاز داشت، نشانه گذاری می کرد و در حاشیه همان صفحه، نظر اصلاحی، توضیحی یا تکمیلی خود را می نوشت.

۶. هنگـام نگارش، ادب را رعایت می کرد و در هیـچ کـدام از آثارش، دشـنام به کسـی ــ حتی اگر مخالف بود ــ دیـده نمی شود.

آثار گران سنگ

آثار گران سنگ

مبارزه با رژیم شاه، تبعید از این شـهر به آن شـهر، حبس های پی درپی، تعقیب و آزارهای ساواک، وقت این پژوهشگر راسخ را گرفته و ایشان را از نظر روحی و بدنی خسته کرده بود. با این حال، آن بزرگوار با برخورداری از

ایمان والا ـ و اراده استوار و نیز به دلیل احساس مسئولیت در برابر اسلام و جامعه اسلامی، همواره از نظر فکری، علمی و فرهنگی می کوشید.

آثار او را به دو دسته تألیفات و تحقیقات مستقل و نیز تعلیقات و مقدمه نویسی بر کتاب ها و رساله های دیگران می توان تقسیم کرد. البته برخی نوشته های آن شهید به صورت دست خط مانده و هنوز چاپ نشده است.

تألیفات و تحقیقات مستقل

تألیفات و تحقیقات مستقل

۱. پژوهش درباره اول اربعین سیدالشهدا(ع): از جمله پژوهش های پرمایه ایشان است که در سال **۱۳۵۲** خورشیدی به چاپ رسیده و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. قاضی، در این اثر با تحریف ها مبارزه کرده و رویدادهای کربلا را از برخی افسانه های دروغ و مطالب جعلی پیراسته است. او با بررسی حدود پانصد جلد کتاب تاریخی و پژوهشی و بیان دلایل محکم و نشانه های قطعی، اثبات می کند اسیران حادثه کربلا در همان اربعین اول به زیارت مرقد امام حسین(ع) رفته اند.

۲. خاندان آل امیر عبدالوهاب: یکی از تألیفات قاضی درباره سادات قاضی طباطبایی منطقه آذربایجان است که نسب آنان به سید سراج الدین امیرعبدالوهاب فرزند امیر عبدالغفار طباطبایی می رسد. این اثر هنوز چاپ نشده است.

۳. سفرنامه بافت: هنگامی که قاضی در بافت ــ از شهرهای استان کرمان ــ ایام تبعید را سپری می کرد، درباره نهضت علما و مسائلی که مخالفان قیام بیان می کردند، نکته هایی را یادداشت می کرد. این اثر از نظر منابع تاریخ نهضت های اسلامی معاصر، کتابی مهم به شمار می آید. مأموران ساواک گزارش داده اند هنگامی که کسی وارد اتاق قاضی طباطبایی می شد، او کتاب را پنهان می کرد و

چون از منزل خارج می شـد، کتاب را در چمـدان می گـذاشت و در آن را قفل می کرد. متأسـفانه این کتاب هنوز چاپ نشده است.(۱)

۴. رساله ای در اثبات وجود امام، به زبان عربی، خطی.

۵. رساله «آیا زیارت بارگاه حضرت امام حسین(ع) با وجود تحمل زحمت واجب است؟»، به زبان عربی، خطی.

۶. کتابی در عقاید و کلام، به زبان عربی، خطی.

۷. مباهله، به زبان عربی.

۸. دلالت آیه تطهیر بر اهل بیت(ع)، به زبان فارسی.

۹. کتاب قضا در اسلام، به زبان فارسی.

۱۰. مقـاله های فارسـی در موضوع های گوناگون و چنـدین رساله فقهی، اعتقادی، فقهی و عرفانی دیگر که هنوز چاپ نشـده اند.

آیت الله قاضـی بـا وجـود گرفتـاری هـای فراوان، پس از هر نمـاز جمعه، خلاـصه ای از موضـوع هـایی را می نوشت که به آن پرداخته بود. از جمله آنها موضوع «ولایت فقیه» بود که دارای نکته های ارزشمندی است.

قاضـی، بیشتر وقت ها، نوار سـخنرانی هایش را تهیه و مطالب منبرهای خویش را در چند دفتر گردآوری می کرد. نوشـته هایی نیز به صورت کشکول از ایشان به یادگار مانده است.

تصحیح، مقدمه و تعلیقه نویسی بر آثار دیگران

تصحیح، مقدمه و تعلیقه نویسی بر آثار دیگران

۱. جنـه المـأوی: ایـن کتـاب، از آثـار گران بهـای آیت الله شـیخ محمدحسـین کـاشف الغطـاست که آیت الله قاضـی، مقـدمه ارزشمندی در ۱۱۲ صفحه، درباره زندگی نامه و کارنامه علمی مؤلف نوشته است. بیشتر بحث های کتاب

۱- صـمد ابراهیم زاده و رحیم نیک بخت، زنـدگی و مبارزات آیت الله قاضـی طباطبایی، تهران، مرکز اسـناد انقلاب اسـلامی، ۱۳۸۰، چ ۱، ص ۱۳۶، به نقل از پرونده: آیت الله قاضی طباطبایی.

همراه با توضیح ها و پاورقی ایشان است. او پس از پایان کتاب، تعلیقات جالبی بر آن افزود. متأسفانه تکمیل و چاپ این اثر، پس از درگذشت مرحوم کاشف الغطا صورت گرفت. عالمانی چون شیخ آقابزرگ تهرانی بر این اثر وزین، تقریظ نوشته و تلاش قاضی را ستوده اند.

۲. تعلیقات بر کتاب الفردوس الاعلی، تألیف مرحوم کاشف الغطا درباره نهضت امام حسین(ع) و تفسیر برخی آیات قرآن است که در نجف و تبریز چاپ شده است.

۳. تعلیقات بر کتاب چند جلدی انوار النعمانیه، اثر سید نعمت الله جزایری.

۴. مقدمه و تعلیقات بر تفسیر جوامع الجامع شیخ طبرسی، صاحب کتاب تفسیر مجمع البیان.

۵. مقدمه و توضیحات تحقیقی بر ترجمه کتاب علم امام، اثر شیخ محمدحسین مظفر.

۶. مقدمه، تعلیقات، تصحیحات همراه با اضافات بر کتاب انیس الموحدین، اثر ملا محمدمهدی نراقی (۱۱۲۸ _ ۱۲۰۹ ه_.ق).

۷. مقدمه بر کتاب علم امام، اثر علامه سید محمدحسین طباطبایی.

۸. تصحیح و تعلیق بر کتاب اللوامع الالهیه فی المباحث الکلامیه اثر جمال الدین مقداد، متکلم توانای شیعه، (م۸۲۶).

۹. مقدمه بر کتاب صحائف الابرار اثر آیت الله کاشف الغطا.

۱۰. مقدمه نویسی بر چند اثر دیگر.(۱)

۱- مجلس نشین قدس، صص ۵۷ _ ۶۱؛ زندگی و مبارزات آیت الله قاضی، صص ۱۳۰ _ ۱۳۳.

فصل چهارم: فضیلت های اخلاقی

اشاره

فصل چهارم: فضیلت های اخلاقی

زیر فصل ها

سرچشمه اخلاق

پگاه پارسایی

شرح درد اشتیاق

جویبار اشک

توسل به حضرت امام رضا(ع)

ویژگی های فردی

تندیس صلابت و شجاعت

اخلاق اجتماعی

تأکید بر وحدت اسلامی

سلوک ملکوتی

کتاب خانه ارزشمند

مهمان قدسیان

سرچشمه اخلاق

سرچشمه اخلاق

آیت الله قاضی طباطبایی خانواده ای هفت نفره را اداره می کرد. او با فرزندان و اهل خانه اش مهربان بود. ایشان تنها پدر فرزندانش نبود، بلکه آموزگاری دل سوز و دوستی صمیمی برای فرزندانش به شمار می آمد. وجودش برای اهل خانه مایه

آرامش بود. فشارهای سیاسی و اجتماعی و دشواری های بسیاری را تحمل می کرد، ولی این گرفتاری ها و آشفتگی ها را در خانه آشکار نمی ساخت و با چهره ای آرام، شاد و بانشاط، وارد خانه می شد. رفتار خداپسندانه اش که با خردمندی همراه بود، اهل خانه را به رعایت فضیلت های اخلاقی و کرامت های انسانی تشویق می کرد. هیچ گاه واکنش های شتاب زده از او سر نمی زد.

تنها موضوعی که بیشتر مورد توجه این پدر پارسا و پایدار و آموزگار اخلاق بود و در صورت لزوم با رعایت حرمت افراد خانه و با بهره گیری از اصول درست تربیتی یادآوری می کرد، انجام وظایف شرعی و حفظ شعایر اسلامی بود. با وجود شخصیت این مرد بزرگ در این خانواده، دیگر نیازی نبود اهل خانه برای خواندن نماز، روزه داری و انجام دیگر واجبات الهی، سفارش شوند؛ زیرا به گونه ای رفتار می کرد که آنان

خودبه خود و با میل درونی و اشتیاق معنوی، وظایف و تکالیف دینی و شرعی خود را انجام می دادند.

قاضـی طباطبایی، هر از گاه، فرزنـدانش را فرامی خواند و با پند و اندرز، راه و رسم چگونه زیسـتن را از دیدگاه قرآن و سـنت نبوی و مرام علوی به آنـان می آموخت. فرزنـدانش را به احترام و تکریم مادرشان سـفارش می کرد و می گفت مادرتان برای شما زحمت های بسیاری کشیده است و کمتر بانویی پیدا می شود این گونه با دشواری ها کنار بیاید. قدرش را بدانید و با او مهربان و فروتن باشـید. وقتی هم که دور از خانه و در تبعید به سر می برد، برای فرزندانش نامه می نوشت و آنان را به رعایت احترام و احسان به مادر فرامی خواند.(۱)

پگاه پارسایی

پگاه پارسایی

آیت الله قاضـی بر اقامه نماز در اول وقت تأکید داشت و در هر شـرایطی که بود، نمازهایش را در وقت فضـیلت می خواند. در واقع، ایشان با اعمالش، دیگران را به سوی فضیلت و ثواب هدایت می کرد.

هیـچ گاه نماز شب، تهجّد و شب زنده داری را ترک نمی کرد و در تفسـیر خطبه حضـرت علی(ع) آن روایت مشـهور را بیان می کرد که پیروان اهل بیت(ع)، زاهدان شب و شیران روز هستند.(۲) ایشان پیش از طلوع فجر، بستر خواب را ترک می کرد. فرزند ایشان در این باره می نویسد:

مرحوم آقـا قبل از اذان صـبح و سـحرگاهان، صـلوهالليل را اقامه می نمود. حتی یادم هست دعاهای ویژه ای را که بایـد اهلش بخواننـد، می خواند و از درگاه خداوند برای مؤمنین مغفرت و رحمت طلب می کرد. از ویژگی های فردی مرحوم والد به نظر بنده، تأکید به نماز بود. همیشه تأکید

۱- قاضی طباطبایی؛ قله شجاعت و ایثار، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

۲- سخنرانی شهید قاضی در عید فطر سال ۱۳۴۷، در مسجد مقبره.

می کرد بر نمازهایتان مواظبت داشته باشید و توصیه می نمودند کثیرالصلوه باشید. هیچ چیز به اندازه نماز، آدمی را به خدایش نزدیک نمی کند.(۱)

شرح درد اشتیاق

شرح درد اشتیاق

با وجود آنکه نسب آیت الله قاضی طباطبایی به خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می رسد، به این خویشاوندی بسنده نکرد و بر اثر تصفیه دل و پیروی از خداوند، دل و ذهنش را به محبت الهی روشن کرد.

شهید قاضی، در پژوهش های پرمایه اش، اشتیاق خود را به خاندان عصمت و طهارت نشان داد و بر اثر پیوند قلبی با آن چشمه های مطهر، از وجود پربرکتشان بهره مند شد. وی با این محبت که به تعمیق آن اهتمام می ورزید، جهت گیری های خود را در عرصه های اجتماعی و سیاسی نشان داد که گویای تولّی و تبرّی است؛ یعنی علاقه داشتن به هر چه در مسیر ولایت و رهبری امام است و بیزاری از آنانی که در راهی جز راه رهبری هستند.

هرگاه کسی موضوعی را که برخلاف مذهب اهل بیت(ع) بود، در سخنرانی یا کتابی بیان می کرد، ایشان واکنش نشان می داد و در برابر آن شخص یا جریان می ایستاد. ایشان با سخنان مستدل و نوشته های معتبر و متکی بر منابع روایی و تاریخی، حقانیت اهل بیت(ع) را به اثبات می رساند. در کتاب های ایشان، این گونه دفاع خالصانه، همراه با شوق و علاقه بسیار دیده می شود.(۲)

اگر کسی به ایشان بی احترامی می کرد، به راحتی، وی را می بخشید، ولی درباره مسائل اعتقادی و ارزشی و بی احترامی به ساحت مقدس

۱- سید محمدتقی قاضی، زندگی نامه آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۳؛ گفت وشنود با حجت الاسلام حاج سید محمدتقی قاضی (فرزند شهید)، تنهایی و پایداری، صص ۹۲ و ۹۳.

۲- گفت و شنود با حجت الاسلام سید محمدتقی قاضی، تنهایی و پایداری، ص ۹۳.

اهل بیت(ع) چشم پوشی نمی کرد. قاضی از ذوق شعری خود نیز در این جهت سود می جُست و در ایام جوانی، اشعاری در مدح و منقبت اهل بیت(ع) سرود. برای نمونه، به بیت های نخست یک مثنوی از ایشان اشاره می شود:

اهل بیت، انوار الطاف حقند

عقل اول وز حقیقت مشتقند

گر نبودستی همان انوار پاک

جدّشان، سرّ ازل آن تابناک

ظلمت بی حدّ فرا شد در زمین

تیره گشتی این جهان طور یقین

باعث ایجاد عالم آن نبی

آل او باشد ز آن نور جلی

رابط فیض وجودستی همه

کاشف سرّ و رموزستی همه

مظهرند بر جلوه توحید حق

علت فیض ازل، بی طعن و دق

لال مانده از بیان این کلام

خود زبانی تا بگوید بر انام

مدح آن انوار حق، سرّ وجود

مقصد اصلی ز هر غیب و شهود

ز آن که در قرآن، ثنا گفته خدا

گشته نازل بهرشان نک «هل اتی»(۱)

جویبار اشک

جویبار اشک

هرگاه دانش و آگاهی با شوق و دل باختگی آمیخته شود، انسان به عالی ترین مـدارج می رسـد. آیت الله قاضـی با کوله باری گران سنگ از فقه، اصول، حدیث، رجال، حکمت و عرفان، پیرو ائمه اطهار(ع) بود.

همواره حدیث های معتبر از معصومان، زینت بخش سخنان دل نشین و شیوای او بود. حتی در گفتارهای عادی خود از سخنان بزرگان دین بهره می برد. علاقه اش به ذکر مصایب ائمه، به ویژه خامس آل عبا چشم گیر بود.

۱- دست نوشته این سروده ها در کتابخانه آیت الله قاضی طباطبایی موجود است.

همیشه پایان هر منبر، به ذکر مصایب خاندان عصمت و طهارت می پرداخت. پژوهش و تألیف کتاب گران سنگی همچون تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا(ع)، نشانه روشنی بر عشق ایشان به اهل بیت(ع) است.

آنگاه که از مظلومیت شیعه سخن می گفت، روح مبارزه با ستمگران را در جان های عاشق می دمید. محراب و منبر مسجد شعبان هنوز پژواک صدای او را به یاد دارد که با فریاد «یابن الزهرا» نفرت از ستم کاران را آشکار می ساخت.

طنین دل نشین زیارت وارث این شهید والامرتبه گوش رهروانش را می نوازد و اشتیاق آن عزیز، گره بخش مجالس سوگواری برای اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است.(۱)

توسل به حضرت امام رضا(ع)

توسل به حضرت امام رضا(ع)

شهید قاضی طباطبایی در نامه ای به شهید آیت الله دستغیب نوشته بود:

در ایام دانش اندوزی در حوزه علمیه قم و قبل از آنکه به حوزه نجف اشرف تشرف حاصل نمایم، ذوق و شوق سرشار و علاقه خاصی به فراگیری معارف اسلامی، به ویژه مباحث کلامی و علم اصول دین داشتم. از آن جمله، در موضوع علم امام و پیامبر می کوشیدم تا باور خود را در این باره استوار نمایم و در راه وصول به این مطلب، دست توسل به دامن اهل بیت زده و از آل اطهار(ع)، مطلب خود را به دست می آوردم. سالی در ایام تحصیل، توفیق تشرّف به آستان قدس رضوی نصیبم گردید و مدتی را در جوار بارگاه انور اطهر حضرت امام رضا(ع) گذرانیدم و به درس جمعی از اساتید می رفتم تا از هر خرمنی،

۱- مجلس نشین قدس، صص ۱۰۲ و ۱۰۳.

خوشه ای برچینم. چند روزی توسل به حضرت رضا(ع) نموده و در حرم مطهر پشت سر مبارک می نشستم و منظورم این بود که می خواستم در موضوع علم امام، توجهی از آن حضرت بشود و اعتقادم را محکم نمایم و از قرآن مجید برایم حقیقت مزبور کشف گردد. چند روزی بر این منوال گذشت و به توسل خود ادامه دادم تا آنکه روزی در حرم مطهر در همان مکان مقدس، هنگامی که مقابل ضریح مطهر قرار گرفته و در تفکر بودم، گویا بر قلبم الهام گردید که در موضوع مسئله علم پیامبر و امام، آیه شریفه تطهیر کفایت می کند و به موجب مفاد آن، جهل به آن حضرت راه نمی یابد.(۱)

ویژگی های فردی

ویژگی های فردی

آیت الله قاضی به گونه ای از مسایل اخلاقی، معنوی و علمی معارف اسلامی و حقایق قرآنی و منابع روایی اثر پذیرفته بود که کردارش نیز با موازین شرعی و دینی هماهنگی داشت. ایشان تندیس اخلاق و فضیلت بود. به مصداق «النظافه من الایمان»، در پوشیدن لباس و کفش، غذا خوردن، شیوه نگه داشتن امکاناتی که در اختیارش بود و حتی شیوه نگه داری از کتاب ها، مطالعه و یادداشت برداری، نظم و پاکیزگی را رعایت می کرد. رعایت این اصل در میان خانواده و نزدیکان او، زبانزد بود. در مجالس خصوصی و عمومی نیز هنگام منبر رفتن، لباس خود را مرتب می کرد و تا پایان مجالس و محافل چهارزانو می نشست و مراقب بود مبادا عبا از دوشش بیفتد. برخی دوستان ایشان گفته اند ما متوجه نمی شدیم شلوار آقا چه رنگی است. برایش نو و کهنه بودن جامه اهمیت نداشت، ولی به تمیزی و پاکیزگی لباس توجه ویژه ای داشت. نه تنها در میان دوستان و آشنایان، بلکه در مجلس های گوناگون نیز ظاهری آراسته داشت. در جمع

۱- این نامه در جلد دوم پرونده تنظیم شده توسط ساواک برای شهید قاضی آمده است.

خانواده هم مسائل اخلاقی را کاملاً رعایت می کرد. در خانه، قبایی ساده بر تن می کرد و عرق چین بر سر می گذاشت.

قاضـی به انجـام مسـتحبات پـای بنـد بود و حتی هنگـام خوردن و آشامیـدن، از سـفارش های اسـلامی غفلت نمی کرد و افراد خانواده را نیز به رعایت این نکته ها و امور مسـتحبی سـفارش می کرد. او تا زمانی که گرسـنه نمی شـد، لب به غـذا نمی زد و پیش از آنکه سـیر شود، از خوردن دست می کشـید. همچنین بـا عجله غـذا نمی خورد و درنـگ در این کار را لازم می دیـد. پیش از برخاسـتن، خداوند را سـپاس می گفت و در صورت امکان، صبح ها پیش از صبحانه، سیب می خورد و فایده های آن را برای اطرافیان برمی شمرد.

وقتی کسـی سـخن می گفت، حرفش را قطع نمی کرد و با دقت به سخن وی گوش می داد، حتی اگر گوینده، کودک بود. تا کسـی سؤالی مطرح نمی کرد، ایشان سـخن نمی گفت. آن شهید، عاشق آگاهی و مطالعه کتاب های گوناگون و یافتن حقایق ناب بود. در این راسـتا هیچ گاه خسـته نمی شد و بر این باور بود که کاوش و گشت وگذار در بوسـتان های معرفت و اندیشـه ملال آور نیست و به حقیقت جویی آدمی کمک می کند.

احترام به بزرگ و کوچـک از دیگر ویژگی هـای فردی او بود. برای ایشـان، طلبه ای جوان با شخصـیتی بلنـدآوازه، فرقی نمی کرد و اگر چنین شخصـی به دیـدارش می رفت، به سـرعت برمی خـاست و به او احـترام می گـذاشت. دراین بـاره حـتی میـان دوست و دشمن هم تفاوتی قائل نمی شد. اگر افرادی با او اختلاف داشتند و پشت سر وی سخنی یاوه گفته بودند یا جایی کم احترامی کرده بودند، وقتی به منزل وی می رفتند یا در محفلی که ایشان حضور داشت، وارد

می شدند، شهید قاضی ناروایی ها را از یاد می برد و برمی خاست و به آنان احترام می گذاشت.

شهید قاضی عقیده داشت هر انسانی نسبت به خودش حقوقی دارد و باید کرامت، وجاهت و شئون خویش را پاس دارد و نگذارد شخصیتش آسیب ببیند. یکی از دوستان صمیمی آیت الله قاضی که همواره در خدمتشان بود، درباره ایشان می گوید:

در تابستان سال ۱۳۵۸ خورشیدی، روزی هوا خیلی گرم بود. به طوری که انسان نمی توانست بیش از یک پیراهن در بر داشته باشد و مدام از سر و صورت ما عرق می ریخت. آیت الله قاضی با همان حالت همیشگی و لباس رسمی روحانیت نشسته بود و به امور مردم و مشکلات مراجعین رسیدگی می کرد. این برنامه چند ساعتی در آن هوای گرم و طاقت فرسا ادامه یافت تا اینکه افراد رفتند و اتاق خالی شد. من انتظار داشتم ایشان حداقل عبا و عمامه خود را بردارد تا از شرّ این گرما تا حدودی رهایی یابد، اما با کمال شگفتی دیدم همان طور آرام و باوقار به حالت چهارزانو نشسته، به نامه ها و پرسش های مکتوب نگاه می کند و آنها را به دقت مطالعه می نماید و برای هر کدام، جواب مناسب و منطقی می نویسد. عرض کردم: آقا همه مراجعین رفته اند. دیگر کسی در اتاق نمانده است. آیا بهتر نیست عبا و عمامه را بردارید تا کمی خنک گردید؟ فرمود: مگر من خودم آدم نمی باشم؟ و افزودند: انسان باید برای خودش هم احترام قائل گردد و شأن و منزلت خویش را حفظ کند، اگرچه در خلوت باشد.(۱)

تندیس صلابت و شجاعت

تندیس صلابت و شجاعت

۱- زندگی نامه آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۳؛ محمد ابراهیم نژاد، قاضی طباطبایی؛ قله شجاعت و ایثار، صص ۱۱۰ و ۱۱۱؛ تنهایی و پایداری، صص ۹۲ و ۹۳.

آیت الله قاضـی، غیرت دینی ویژه ای داشت و در پاسـخ دادن به خلاف ارزش ها تردید نمی کرد. هنگامی که بر ضد دیانت و قرآن سـخنی گفته می شـد، به شـدت برمی آشـفت. هر چنـد این خشم سـبب نمی شـد پاسخ دشـمنان و مخالفان را سـطحی و سُست و به دور از برهان و دلیل بدهد. پاسخ ایشان، قاطع، سنجیده و مستند بود.(۱)

در راه احیای ارزش های الهی و معنوی و گسترش آیین مبین اسلام، بسیار شجاع، باصلابت و نترس بود. وقتی حق را تشخیص می داد و اراده می کرد مقاومت کنـد و به دفاع برخیزد، هیچ کس نمی توانست او را آرام کند. او در این مسـیر، با فشار شدید ساواکی ها، درباری ها و برخی مرتجعان و تنگ نظرانی روبه رو بود که نمی توانستند او را تحمل کنند. به همین دلیل، افرادی به حـذف او می اندیشیدند. حتی عالمان تصـمیم گرفتند در مجالس و محافلی که برگزار می کردند، جلوی پایش برنخیزند و به وی احترام نگذارند و به او جا ندهند، ولی این رفتارها آیت الله قاضی را از راهی که برگزیده بود، دور نساخت. البته عالمان راستین و بیشتر روحانیان منطقه، برای شـجاعت، دانش و فضایل اخلاقی شـهید قاضـی احترام قائل بودنـد و به وی بسـیار علاقه داشتند.

«در سال ۱۳۴۳، سـاواکی هـا خواسـتند بر حسب ظـاهر، یـک نوع توافقی با روحانیت به وجود آورنـد. برای عملی ساختن این منظور، جلسه ای در محل اتاق بازرگانی تبریز تشـکیل شد. علمای سرشناس شهر نیز دعوت شده بودند و استاندار وقت، رئیس سـاواک، فرمانـدهان نظـامی و انتظـامی آن روز در این جلسه حضور داشـتند. سـرتیپ حسن مهرداد، رئیس ساواک آذربایجان درصدد گردید مطالب موهنی درباره حضرت امام

۱- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، صص ۱۴۳_ ۱۴۸.

خمینی رحمه الله مطرح کنـد. در عبـاراتش این نکته مورد تأکیـد بود که امام می خواهـد در کشور آشـفتگی به وجود آورد و امنیت ایران را بر هم بزنـد و اجازه نمی دهـد بین دولت مرکزی و افراد روحانی اتحاد به وجود آیـد. سـکوت محض آمیخته به خوف و هراس در آن جلسه حـاکم بود. اختنـاق شدیـد پس از قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و دسـتگیری امام، آن چنان بر جلسه سایه افکنـده بود که اگر کسـی مخـالفتی می کرد و سـخنی می گفت، مجـازاتش، تبعیـد، حبس و شـکنجه بود، اما شـهید قاضـی با شجاعت تمام از جای خویش برخاست و صندلی را برداشت تا بر سر رئیس ساواک بکوبد که مأمورین آن را گرفتند».(۱)

فروتنی شـهید قاضـی در برابر دوستان و گروه های گوناگون مردم، نمونه بود، ولی در زمان طاغوت به وابستگان رژیم پهلوی، اعتنا نمی کرد و اگر یکی از مقام های دولتی می خواست کنارش بنشیند، برایش جا باز نمی کرد.

«یک بار در مسجدی، برای یکی از درباریان، مجلس ترحیمی برگزار کرده و راه های منتهی به این مسجد را بسته بودند. وقتی شهید قاضـی خواست از آنجا بگذرد، افسری جلو آمد و گفت آقا نمی توانید از اینجا بروید. مرحوم قاضی با خشم گفت: «برو گم شو» و چنـان رفتـاری بـا آن مـأمور رژیم شاهنشـاهی کرد که وی ترسـید و کنـار رفت... یک روز، شخصـی که زیاد هم با مرحوم قاضـی روابط خوبی نـداشت، به منزلش آمـد. او بی درنگ تمام قـد به احترامش برخاست و مقدمش را گرامی داشت. یکی از نزدیکان دلیل این رفتار را جویا شد. جواب داد: احترام میهمان لازم است، اگرچه مخالف من باشد».(۲)

۱- گفت وشنود با حجت الاسلام میرزا نجف آقازاده، تنهایی و پایداری، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- مجله پیام انقلاب، ش ۹۶، ص ۴۰.

حجت الاسلام والمسلمین میرزا نجف آقازاده چنین نقل کرده است:

در زمان حکومت نظامی سال ۱۳۵۷، تعدادی تانک از پادگان های قزوین به تبریز آورده بودند تا به وسیله آنها در شهر ویراژ دهند و برخی منازل و اماکن را هدف گلوله های آنها قرار دهند و با این شیوه، بین مردم وحشت ایجاد کنند تا آنان از تظاهرات دست بردارند. آیت الله قاضی به بنده امر فرمودند با فرماندار نظامی وقت تماس بگیرم. من هم اطاعت کردم و با وی تماس برقرار کردم. آیت الله قاضی گوشی را از من گرفتند و خطاب به وی فرمودند: آیا شما به خاطر یک قلدر می خواهید کشور را به آتش بکشید و افزود: شما شانس داشته باشید که من تا صبح زنده نمانم. اگر صبح فرا برسد، کفن می پوشم و پیشاپیش مردم به خیابان ها می آییم. شما با تانک هایتان و ما هم با کفن هایمان. ببینیم کار به کجا می کشد. فرماندار نظامی از این تهدید تلفنی و اقتدار و صلابت شهید قاضی احساس هراس کرد و به آقا قول داد الان به پادگان می روم و جلویشان را می گیرم و چنین هم شد و جلوی خروج آنها را گرفت.(۱)

اخلاق اجتماعی

اخلاق اجتماعی

توجه به افراد و رعایت حال نیازمندان و رنج دیدگان، در ذکر، تهجد و نیایش های عارفانه و دوری از خواسته های دنیایی و فناپذیر ریشه دارد. این ویژگی برای قاضی، آزادگی و رشد روحی و معنوی به ارمغان آورده بود. همچنین به برکت سلوک عارفانه و دوری از گرایش های نفسانی، فضایلی در وجودش شکل گرفته بود که بر اساس آن، بذر محبت، فداکاری، گذشت، بخشش، همکاری و دل سوزی در جامعه کاشته بود. آیت الله قاضی بر اساس منابع قرآنی و سنت نبوی، به کرامت انسان و جایگاه

۱- تنهایی و پایداری، ص ۸۱.

او احترام ویژه ای می گذاشت و بر این باور بود که دشواری ها نباید این ویژگی را از بین ببرد و ما باید برای حفظ کرامت ذاتی افراد بکوشیم.

شهید قاضی به دلیل شکوفا ساختن کمالات و فضایل، میان سرنوشت و سعادت خود با بهروزی و آرامش دیگران، پیوند عمیقی یافته بود. این ویژگی، او را از گوشه خلوت بیرون آورده و به جامعه و زندگی اجتماعی کشانده بود. به اندازه ای مسئولیت پذیر بود که نمی توانست نسبت به دردها و رنج های دیگران، بی اعتنا باشد. توجه به ستم دیدگان و نیازمندان، مبارزه با ستم کاران، امر به معروف و نهی از منکر و اهتمام به امور مسلمانان، نشانه های برجسته مسئولیت پذیری شهید قاضی بود.

آن اندیشمند پارسا، ساده زیست بود و با وجود توانایی مالی، همانند مردم عادی و نیازمندان می زیست و از اشرافیت و تجمل و رفاه گریزان بود. او با مردم زندگی می کرد و از نزدیک با دشواری ها و دردهای آنان آشنا بود. تهی دستان در برابرش احساس خواری نمی کردند و درِ خانه اش به روی همه باز بود. همه می توانستند به دیدارش بروند و به درد دل و شرح گرفتاری هایشان بپردازند. او هم در حد توان، گره گشایی می کرد. وی تنها با سخنرانی و بیان مسائل اخلاقی و اجتماعی، به گسترش اسلام نمی پرداخت، بلکه به ارزش های الهی عمل می کرد. او برای بیش از دویست خانواده نیازمند، خانه تهیه کرد. او به محرومان توجه داشت و از اطرافیانش هم می خواست به حل دشواری های مستمندان بپردازند. شهید قاضی، از بنیان گذاران اصلی «هیئت مستمندان تبریز» به شمار می آمد.(۱)

شهید قاضی، حق شناس و قدردان بود و نیکی ها را هر چند اندک، بزرگ جلوه می داد و از یاد نمی برد. همواره از رفتار خوب اشخاص، تشکر می کرد.

۱- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، صص ۱۴۵ _ ۱۴۷.

به وفاداری در دوستی و پای بندی به پیمان، بسیار توجه داشت. هیچ گاه حق نان و نمک را از یاد نمی برد و حق دوستی را نادیده نمی گرفت. همچنین به کسی اجازه نمی داد دستش را ببوسد و اگر کسی به این قصد، دستش را می گرفت، خود را عقب می کشید.(۱)

اگر بر دشمن خویش غلبه می یافت، اصل رأفت اسلامی را در نظر می گرفت. سرهنگ سلیمی که از ساواکی های تبریز بود، در تهران دستگیر شد. او از بازداشتگاه خود نامه ای برای قاضی نوشت و از وی تقاضای بخشایش کرد و خواست در تبریز به پرونده اش رسیدگی شود. آیت الله قاضی، درباره آزار و اذیت سرهنگ سلیمی که به وی گزارش شده بود، نامه ای به دادسرای انقلاب اسلامی تبریز فرستاد و گفت:

این جانب شخصاً نسبت به خودم در مقام انتقام جویی از نام برده نیستم. جهت و موقعیت دینی این جانب اجلّ از آن است که با امثال ایشان از مقام انتقام بیایم، بلکه جزای آن اعمال را به منتقم حقیقی واگذار می کنم و شخصاً از حق مشروع خودم می گذرم و عفو و اغماض را نسبت به خود درباره نام برده، پیشه خود می سازم.(۲)

تأکید بر وحدت اسلامی

تأکید بر وحدت اسلامی

آیت الله قاضی برای هم بستگی میان مسلمانان، گام های سنجیده و خردمندانه ای برداشت. هدف وی از برقراری وحدت میان مذهب های اسلامی، افزایش اقتدار جامعه اسلامی و ایستادگی در برابر بیگانگان بود. آن شهید برای اجرای این امر مهم به سخنرانی بسنده نمی کرد و در فرصت های مناسب با تدبیرهای عاقلانه، در این مسیر گام برمی داشت. ایشان می گوید:

۱- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۱۴۷.

۲- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۱۵۰، به نقل از: نامه آیت الله قاضی به دادسرای انقلاب اسلامی تبریز در تاریخ ۹/۶/۱۳۹۹ هـ . ق.

به یاد دارم یک بار هنگامی که از سوریه بازگشتم و وارد سرزمین عراق شدم، در شهر رمادی به دلیل غروب آفتاب و رسیدن وقت نماز توقفی داشتیم. وضو گرفته و در صحن خانه وسیعی، حصیر انداخته، خواستم مشغول نماز گردم. مشاهده کردم عده ای از جوانان اهل تسنّن آمدند و در چند قدمی من ایستادند. متوجه شدم می خواهند بدانند من چگونه می خواهم سجده نمایم. وقت سجده که فرا رسید، جبین را بر حصیر نهادم و سایر همراهان اغلب از من پیروی کردند، اما برخی بر تربت کربلا سجده کرده بودند. چند نفر از جوانان سنّی مذهب جلوتر آمدند و از حقیقت این امر پرسیدند. واقع امر را برایشان بیان کردم. قانع شدند و تشکر نمودند و اظهار داشتند ما درباره [شیعیان] گونه ای دیگر فکر می کردیم؛ زیرا به ما جور دیگری تلقین کرده بودند.

نظیر این قضیه در زینبیه دمشق اتفاق افتاد و چند نفر از دوستان اهل عراق که از عرب های شریف اهل نجف اشرف بودند، حضور داشتند. به برخی از جوانان اهل سنّت که اهل سوریه، مصر و لبنان بودند، حقیقت سجده کردن شیعه بر تربت حضرت سیدالشهدا را بیان کردیم و از آنچه خیال کرده بودند و صرفاً از روی تقلید اعتقاد داشتند، عذر خواستند.(۱)

تلاش فراوان قاضی برای پاسداری از وحدت مذهب های اسلامی سبب نمی شد در دفاع از مقدسات شیعی کوتاه بیاید. وی در هیچ شرایطی، اهانت به اسلام اصیل و مذهب اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را برنمی تابید. در روزگار سیاه ستم شاهی، یکی از روحانی نماهای اهل سنّت به تحریک کارگزاران استبداد، نشریه ای بر ضد شیعه در غرب کشور چاپ کرد. وقتی خبر به آیت الله قاضی رسید، سخت برآشفت. ایشان چند روز، پی درپی و بی درنگ مطالبی مناسب در پاسخ به نشریه

۱- سید محمدعلی قاضی طباطبایی، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا، صص ۴۱۶ و ۴۱۷.

مخالف فراهم آورد تا تبلیغات مسموم آنها را از بین ببرد. او در این سوز و گداز به سر می برد که شنید کتابی با عنوان پاسخ به بداندیشان در رد آن یاوه سرایی ها نوشته شده است. این خبر، شهید قاضی را شادمان ساخت. ازاین رو، با تهیه و پخش چندین هزار جلد از این اثر در غرب کشور، نقشه های شوم دشمنان قرآن و عترت را خنثا کرد.(۱)

سلوک ملکوتی

سلوك ملکوتی

آیت الله قاضی طباطبایی، منتسب به خاندانی است که همچون منظومه ای نورانی شناخته شده اند. او هم در این راه به مقاماتی والاـ دست یافت؛ زیرا به عبادتی با انگیزه درونی روی آورد و از طریق تزکیه نفس، خودخواهی ها و خواسته های دنیوی را زدود و به اخلاص، صدق و صفا دست یافت. او عرفانی را برگزید که در قرآن و حدیث ریشه داشت و اساس آن بر انجام واجبات و مستحبات و ترک محرّمات و مکروهات استوار بود.

قاضی طباطبایی به برکت عروج عرفانی، به کشف و شهود دست یافت، ولی خود مایل به بیان آن نبود. سیدجواد هشترودی با مرحوم قاضی پیوند خوبی نداشت. محمدباقر صدری می گوید: «این شخص با من مناسبات دوستانه داشت. روزی به او گفتم این چه شیوه ای است که پیش گرفته اید؟ پس از طرح مسائلی گفت، در محرم سال ۱۳۴۲ من در جایی به منبر می رفتم. برایم گرفتاری هایی پیش آمد که به ناچار وقتی به منزل آمدم، به حضرت زهرا(س) متوسل شدم. چون خوابیدم، در رؤیایی راستین دیدم بانوی بزرگی که به نظر می رسید زهرای اطهر(ع) بود، گفت

۱- قاضی طباطبایی؛ قلّه شجاعت و ایثار، صص ۱۱۱ و ۱۱۲.

نزد فرزنـدم امـانتی داری، برو آن را بگیر. وقتی بیـدار شـدم، از محلی که برای تبلیغ رفته بودم، بـا وجود اینکه سوم محرّم بود، آمـدم تـبریز. از جـایی که منزل مرحـوم قاضـی بـود، عبـور می کردم، چون ایشـان را دیـدم، سـلام کردم. به اسم کوچـک مرا فراخواند و گفت: نزد من امانتی داری، بیا بگیر».(۱)

شبِ قبـل از ورود آیت الله قاضـی به بـافت کرمان (محل تبعیـد ایشان)، همسـر آقای شـفیعی (میزبان ایشان در کرمان) در عالم رؤیا دیـده بود به کربلا رفته و به زیارت حضـرت امام حسـین(ع) مشـرّف گردیده است. به علاوه، همسایه ایشان در عالم رؤیا مشاهـده کرده بود که حضـرت فاطمه زهرا(س) به خانه آنان آمـده است. در حسـرت بود که چه عمل خیری از او صادر شـده است. چون آیت الله قاضـی به خـانه آنان گام نهاد، این بانو خطاب به ایشان گفت: «حالا می فهمم که شـما میهمان ما خواهید بود و در خدمت گزاری مهیا هستیم.»(۲) گویا این بانو مدتی در بستر بیماری افتاده بود که در رؤیایی صادق، بانویی محترم به وی می گوید تو دیگر کسالتی نداری، از جا برخیز. قرار است فرزندم به اینجا بیاید و تو از او مراقبت خواهی کرد.(۳)

آیت الله قاضی، اندیشه های عارفانه اش را در شعری این گونه بیان کرده است:

چهل سال بیش با خرد و هوش زیستم

آخر نیافتم به حقیقت که چیستم

عاقل ز هست گوید و عارف ز نیستی

من در میان آب و گل هست و نیستم

۱- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، مصاحبه با محمدباقر صدری، جلسه اول، ص ۱۵۷.

۲- سید محمدعلی قاضی طباطبایی، سفرنامه بافت، نسخه خطی، صص ۲۴ و ۲۵، به نقل از: زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۱۵۸.

۳- پرونده آیت الله قاضی، ج ۵، ص ۵۵.

من صدر بزم اُنسم و مجلس نشین قدس

لیکن تو چون به بزم نشینی، بایستم

زان خنده آمدم به کمالات دیگران

کاندر کمال خویش چو دیدم، گریستم

کتاب خانه ارزشمند

کتاب خانه ارزشمند

میراث گران سنگ این خاندان، کتاب خانه ای مهم بود که از نیاکان اهل علم و معرفت آیت الله قاضی به وی رسیده بود. متأسفانه سال ها پیش بر اثر سیل، حدود سه هزار جلد از کتاب های آن نابود شد. کتاب های خطی برجامانده، افزون بر هزار جلد است که از نظر محتوا، جلوه های هنری و فرهنگی و منحصربه فرد بودن برخی از آنها، اهمیت بسیاری دارد.

آیت الله قاضی، سال ها پیش از این، فهرست این آثار را تهیه کرد و برای شیخ آقابزرگ تهرانی فرستاد.(۱) افزون بر نسخه های خطی، شمار قابل توجهی از فرمان های سیاسی، اداری، اسناد حقوقی، قباله ها و نامه های دوستانه رجال سیاسی و مذهبی آذربایجان از دوره کریم خان زند تا زمان آیت الله قاضی، در این کتاب خانه نگه داری می شود. بخش مهمی از تاریخ مبهم آذربایجان در لابه لای این اسناد نهفته است.

آیت الله قاضی، این کتاب خانه را گسترش داد و حدود بیست هزار جلد کتاب چاپی که بیشتر آنها در نجف، قاهره، بیروت و حیدرآباد دکن چاپ شده بود، فراهم آورد. این کتاب خانه توجه پژوهشگران و نویسندگان منطقه را به خود جلب کرده است. قاضی شمار قابل توجهی از این کتاب ها را مطالعه کرده و در صورت لزوم درباره آنها مطلب نوشته است.(۲)

۱- شیخ آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، ص ۲۱۷.

۲- کاروان علم و عرفان، ج ۲، ص ۲۷۸؛ مختصری از زندگی آیت الله قاضی، صصص ۳۳ و ۳۴؛ زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، صص ۱۴۸ _ ۱۴۹.

مهمان قدسیان

مهمان قدسیان

پس از پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، تلاش های آیت الله قاضی افزایش یافت. امام خمینی رحمه الله در مرداد سال ۱۳۵۸ خورشیدی، آیت الله قاضی را به عنوان نماینده تام الاختیار خویش و امام جمعه تبریز منصوب کرد. نخستین نماز جمعه تبریز در روز ۲۷ مرداد ۱۳۵۸ (روز جهانی قدس) برگزار شد. مهم ترین تلاش ایشان در این دوره، ایجاد امنیت و ثبات، تحرک بخشیدن به سازندگی ها، رفع کدورت ها و کاستی ها و نظارت بر حفاظت از امکانات عمومی بود.

با نامه امام خمینی رحمه الله، کمیته های انقلاب اسلامی تشکیل شد که وظیفه اش، حفظ نظم و آرامش بود. آیت الله قاضی در راه اندازی و فعال سازی کمیته، تلاش چشم گیری انجام داد. ایشان در ساختن و بازسازی مسجدها و دیگر مکان های مذهبی نیز فعال بود. ساخت مسجد طوباییه، مسجد ارزیل در روستای ارزیل، مسجد امام حسین(ع) در آخر کوچه باغ تبریز، مسجد آیت الله حکیم در خیابان کمربندی، بازسازی مسجد شعبان در خیابان تربیت تبریز و نیز ساخت حسینیه امام حسین(ع) از مهم ترین کارهای وی در این عرصه است.

پس از شهادت آیت الله مطهری، قاضی بسیار اندوهگین شد. ایشان همواره به اطرافیان خود می گفت: «کاش بنده هم همچون شهید مطهری، روزی به این فیض برسم.»(۱) دعای قاضی زود مستجاب شد. مدتی وی را تلفنی، به مرگ تهدید می کردند. او به اطرافیانش می گفت: «اینها تصور می کنند من از مرگ می هراسم، والله که آرزوی من شهادت است».

۱- روزنامه رسالت، ش ۱۳۹۴، ص ۴.

روز دهم آبـان سال ۱۳۵۸ برابر با عیـد سـعید قربان، آن عارف زاهـد و عالم نسـتوه، نماز عیـد قربان را خواند و در خطبه ها از دشمنی های ضد انقلاب ها پرده برداشت. پس از اقامه نماز مغرب و عشا در مسجد شعبان، هنگامی که با همراهان به خانه می رفت، به دست گروه فرقان ترور شـد. روز بعد، پیکر آیت الله قاضـی، در مسـجد مقبره و در کنار نیاکانش به خاک سپرده شد. امـام خمینی رحمه الله در یازدهم ذی حجّه ۱۳۹۹ هـ .ق به مناسـبت شـهادت یار دیرین خود پیام داد که در فرازی از آن آمده بود:

با کمال تأسف، ضایعه ناگوار شـهادت عالم مجاهـد، حجت الاسـلام والمسـلمین آقای حاج سـید محمـدعلی قاضـی طباطبایی رحمه الله را به عموم مسـلمانان متعهـد و علمـای اعلاـم مجاهـد و مردم غیور و مجاهـد آذربایجـان و خصوص بازمانـدگان این شهید سعید تسلیت، عرض و از خدای متعال صبر انقلابی برای مجاهدین راه حق و اسلام خواستارم.(۱)

۱- صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۲۰.

فصل پنجم: دیدگاه های آیت الله قاضی

اشاره

فصل پنجم: دیدگاه های آیت الله قاضی

زیر فصل ها

امر به معروف و نهی از منکر

نفرت از غاصبان قُدس

ضرورت وحدت اسلامی

اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

معنای اولی الامر

صلوات بر آل محمّد

ضرورت سوگواری برای سیدالشهدا(ع) تا اربعین

ارادت به امام خمینی رحمه الله

منابعی برای تحقیق و مطالعه افزون تر

امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر

«انسان که امر به معروف و نهی از منکر می کند، نمی گوید چرا همه جا آباد شده، [آیا] شهر ما خراب مانده است؟ شما نمی بینید، اقلاً خودتان مواظب باشید. در این موقع که هر جای دنیا آباد می شود، چرا شهر شما خراب باشد؟ به این جهت است که در شما روحیه دیانت است... حضرت علی(ع) می فرماید با امر به معروف و نهی از منکر، زمین آباد می شود».(۱)

«امر به معروف و نهی از منکر نمودن آسان نیست؛ [زیرا] با کسی که امر به معروف و نهی از منکر می کند، خیلی اشخاص طرف می شوند، عداوت می کنند، تحریک می کنند. آسان نیست. بی جهت نیست که قرآن قاتل کسی را که امر به معروف و نهی از منکر می کند، با قاتل پیامبران یکی دانسته است».(۲)

نفرت از غاصبان قُدس

نفرت از غاصبان قُدس

۱- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی، ص ۱۵۱.

۲- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۱۴۸.

«حضرت علی(ع) می فرماید: خدایا کفار اهل کتاب را معذّب کن. خدایا به حق محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله، آنهایی را که در لباس اسلام به دولت اسرائیل کمک می کنند، محو و نابود کن...» از مراجع تقلیدی که در نظرم است، خرید و فروش با اینها را حرام اعلام کرده اند، عبارتند از: حضرات آیات سید محسن حکیم، امام خمینی رحمه الله، میلانی، نجفی مرعشی. همه شان حرام کرده اند. مادامی که اینها از مسلمانان دست نکشیده اند، با اینها خرید و فروش حرام است. در این خیال هستند که تمام ممالک اسلامی را تصاحب کنند، تمام مشاهد متبرکه را تصرف کنند. شما فکر می کنید اگر در آنجا (فلسطین) مسلمانان را اذیت کردند، شما در اینجا راحت خواهید ماند؟ بالله العلی العظیم، جلوی چشم من است هرگاه پیشامدها در آینده پیش آید، خدای ناکرده چگونه مسلمانان را (صهیونیست ها) از خانه شان بیرون می کنند. هیچ گاه غفلت نکنید».(۱)

ضرورت وحدت اسلامی

ضرورت وحدت اسلامی

«اروپاییان بیشتر از کمونیسم از اتحاد شما مسلمانان در وحشت هستند. ازاین رو، به هر شکلی می خواهند در میان تمام طبقات، اختلاف ایجاد کنند. نفهمی یک عده (هم) سبب پیشرفت کار آنها شده است. یک عده مرام دشمنان را کاملاً عمل می کنند. یکی می فهمد و یکی نمی فهمد. من حیث لا یشعر عمل می کنند. بدبختی تمام مسلمانان از اینهاست. در سرشان نه خدا هست، نه سواد و نه فهم و شعور. سید جمال الدین اسدآبادی آن صحبت ها را (درباره اتحاد مسلمانان کرده است)، اما هنوز

۱- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۲۳۰، به نقل از: نوار سخنرانی شهید قاضی در تاریخ ۳۰/۹/۱۳۴۷.

از او دست برنمی دارنـد. بهتان می زنند و هر آنچه بگویید، در حقش می گویند. یک عده می خواهند وحدت را از بین ببرند و به ریشه مسـلمانان آب ببندند. (البته) همگی علما متحد هستند. فقط یک عده داخل اینها رفته اند و با هیکل و قیافه (خودی) ایجاد اختلاف می کنند. به یاد داشته باشید به دست اینها به اسلام ضربه زده شده است».(۱)

اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله

«اطاعت الله، اوامر و نواهی خداونـد است که توسط انبیا و فرسـتادگانش وحی می کنـد و بایـد از آن اطاعت کرد، و لیکن این یک حیثیت است، ولی اطاعت از رسول اکرم صـلی الله علیه و آله دارای دو حیثیت است. نخست حیثیت تشـریعی آن است که پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله وحی را به واسـطه جبرییل اخـذ می کنـد از جانب خداونـد و به مردم می رسانـد. دوم حیثیت حکمی (حکومتی) و رأیی که این حیثیت همـان مرحله قضاوت و حکومت است که با آن حیثیت، اگر کسـی کاری یا تنازع و مرافعه ای داشـته باشـد، رجـوع خـواهیم کرد به رسول الله و اولی الامـر. از آیه شـریفه «أَطِیعُوا الله وَأَطِیعُوا الرّسُولَ وَأُولِی الْأَ مْرِ مِنْکُمْ»، (نساء: ۵۹) عصـمت پیامبر را می فهمیم؛ (زیرا) خداونـد اطاعت از پیامبر را مطلق کرده است. بدون اینکه مقید به قیدی کند. پس محال است پیامبر برخلاف اوامر و نواهی خداوند چیزی بگوید».(۲)

معنای اولی الامر

معنای اولی الامر

۱- اصل سـخنرانی به زبان ترکی است و نوار آن موجود است (نک: زندگی و مبارزات آیت الله قاضـی طباطبایی، صص ۲۲۵ _ ۲۶۶).

۲- سخنرانی آیت الله قاضی طباطبایی در مسجد مقبره تبریز، سال ۱۳۹۸، به نقل از: تنهایی و پایداری، ص ۱۵۱.

«اطاعت «از اولی الامر منکم»، عیناً اطاعت از رسول است. همان گونه که اطاعت پیامبر به قیدی مقید نیست. پس اولی الامر نیز باید معصوم باشد. تمام سخنان شیعه از روی آیات و دقت علمی است، و سطحی و ساده به معنای آیات توجه نمی کند. پس اولی الامر باید اشخاصی باشند که برخلاف اوامر و نواهی پیغمبر چیزی نگویند و اگر اولی الامر معصوم نباشد، در اینجا تناقض به وجود می آید و خداوند احدیت منزه است از اینکه در قرآن تناقض باشد».(۱)

صلوات بر آل محمّد

صلوات بر آل محمّد

«مراد از آل محمد که باید در صلوات به رسول الله، صلوات بر آنان نیز ضمیمه شود و آنها را هیچ وقت نمی توان از صلوات به رسول الله جدا کرد و اجماعی میان شیعه است عبارت از امیرالمؤمنین علی، فاطمه، حسن و حسین و نُه امام معصوم از اولاد امام حسین صلوات الله علیهم است و این مسئله از ضروریات امامیه اثناعشریه و از اتفاقات بی شک و شبهه و از مسلّمات میان شیعه و از بدیهیات است و روایات در این موضوع، بی شمار است. منظور از اهل بیت در آیه شریفه تطهیر عبارت از آن بزرگواران است که رسول الله آنان را زیر کسا (عبا) جمع فرموده و نیز آنان را در قضیه مباهله با نصارای نجران همراه خود به مباهله حاضر کرد.

صلوات فرستادن به رسول الله و اولاد طاهرین او(ع) در تمامی حالات و اوقات، رجحان شرعی داشته و از اعمال حسنه و اقوال مستحبه می باشد. خصوصاً در موقعی که بیشتر از شعائر دینی محسوب گردد و با صدای بلند چنانچه خود آن وجود مقدس دستور داده، این شعار اسلامی

۱- سخنرانی آیت الله قاضی طباطبایی در مسجد مقبره تبریز، سال ۱۳۹۸، به نقل از: تنهایی و پایداری، صص ۱۵۳ و ۱۵۴.

را بایـد انجام داد. بعضـی از فضـلا گفته انـد افضل اعمال و اوراد و اذکار، صـلوات بر محمد و آل محمد است. از مواردی که صلوات گفتن بسـیار خوب و هیـچ گونه رجحانش مشـکوک نیست، در تعقیبات بعـد از نمازهای فرایض پنج گانه است که از تعقیبات مهمی به شمار می رود».(۱)

ضرورت سوگواری برای سیدالشهدا(ع) تا اربعین

ضرورت سوگواری برای سیدالشهدا(ع) تا اربعین

«از وجوهی که برای تأسیس روز اربعین برای سیدالشهدا (وجود دارد) آن است که برای سیدالشهدا(ع) زمین و آسمان تا چهل روز گریه کرده. چنـانچه زراره بن اعین که از اکـابر فقهـای شـیعه و محـدثین باعظمت امامیه است، از حضـرت امام صادق(ع) روایت کرده است. حتی در میـان مردمان در زمان فوت کسان خودش، این رویه معمول شـده و این سـیره را انجام می دهنـد و شیعه تا اربعین آن حضـرت از شادی و سـرور خودداری می کند. خصوصاً درباره کسی که آثار عملی و نتایج قدمی را که در راه آسـایش دینی و دنیوی آنان برداشـته باشـد و در اصـلاح جامعه، از جان گذشـتگی نشان داده و نهضتی علیه سـتم و از بین بردن سـتم کـاران روزگـار کرده و نهضـتی بـه وجـود آورده کـه اثر آن اسـلام و قرآن را زنـده نگـاه داشـته و دیـن الهی را از دسـتخوش دشـمنان سرسـخت آن نجات داده و زحمت های خاتم انبیا را نگذاشـته به هدر برود و بازیچه بنی امیه شجره ملعونه گردد و بـا خون خود درخت توحیـد را سیراب نموده و نگذاشـته در نتیجه جور و اشـاعه فحشا و منکر بنی امیه خشک شود و خـون دل خـویش را در راه خـدا بـذل کرده تـا مردم را از حیرت ضـلالت و گمراهی [که] پیش آمـده بـود، برهانـد و اگر آن نهضت مقدس نبود، از اسلام به غیر از دین تشریفاتی و ساخته بنی امیه چیزی باقی نمانده بود. لذا باید

۱- نک: اول اربعین حضرت سیدالشهدا، صص ۴۶۴ _ ۵۴۴.

مسلمین عموماً و شیعه خصوصاً در زنده نگه داشتن تاریخ واقعه جان گداز کربلا اهتمام تمام به کار ببرند».(۱)

ارادت به امام خمینی رحمه الله

ارادت به امام خمینی رحمه الله

آیت الله قاضی پس از شهادت آیت الله مطهری، در پیام تسلیتی که برای امام فرستاد، ارادت خود را این گونه بیان کرد: «استاد اعظم و رهبر عالی قدر و ای ابرمرد تاریخ، این شخصیت بزرگ (شهید مطهری) عضو بسیار ارزنده و مؤثر انقلاب و تربیت یافته مکتب درس و تربیت حضرت مستطاب عالی و مورد توجه آن جناب و در حکم فرزندی از فرزندان آن ذات معظم بود. لذا غمی که از فقدان آن شهید بزرگوار، امام را متوجه است، وصف ناکردنی است. ای کاش یارانش که یکی از آنان ارادتمند می باشم، در خاک و خون بغلطیم تا دین خدا استوارتر و مسلمانان به انجام وظایف دینی تواناتر باشند. شاگردانت در این آرزو هستند».(۲)

منابعی برای تحقیق و مطالعه افزون تر

منابعی برای تحقیق و مطالعه افزون تر

۱. ابراهیم نژاد، محمد، دیدار با ابرار، جلد ۴۰ (قاضی طباطبایی؛ قله ایثار و شجاعت)، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۲. اسماعیل زاده، صمد و رحیم نیک بخت، زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۱- اول اربعین حضرت سیدالشهدا، صص ۳۸۷ و ۳۸۸.

۲- زندگی و مبارزات آیت الله قاضی طباطبایی، ص ۱۵۴.

ص:۵۸

۳. ترابی طباطبایی، سید جمال الدین، نسب نامه شاخه ای از طباطبایی های تبریز، تبریز، سازمان اسناد ملی، مدیریت منطقه شمال غرب، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۴. دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، خاطرات ۱۵ خرداد (تبریز، قسمت دوم)، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۵. دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، (جلد ۸)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

۶. صالح مدرسه ای، فاطمه، ستاره های زمین، تهران، پیام آزادی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۷. قاضی طباطبایی، سیدحسن، خاندان های فضل و دانش آذربایجان در عصر قاجار، چهره آذربایجان در تاریخ ایران، تبریز، دانشگاه تبریز، چاپ اول، ۱۳۵۳.

۸. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، اسناد انقلاب اسلامی، (جلد ۱ ـ ۵)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۹. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی؛ جلوه محراب، تهران، وزارت اطلاعات، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۰. موسوی خمینی، سید روح الله، تبیان (آثار موضوعی)، دفتر یازدهم (ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله با همکاری بنیاد شهید انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۱۱. نیشابوری، اصغر، بیانیه های دانشگاهیان تبریز در جریان انقلاب، تبریز، دانشگاه تبریز، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۲. یاد (فصلنامه بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی ایران)، سال ششم، شماره ۲۴، پاییز ۱۳۷۰.

۱۳. یادواره شهید قاضی طباطبایی، ویژه نامه روزنامه جمهوری اسلامی، آبان ۱۳۶۱.

فصل ششم: همراه با برنامه سازان

اشاره

فصل ششم: همراه با برنامه سازان

زیر فصل ها

مباحث کلّی و نکته های ضروری در برنامه سازی

موضوع های برنامه سازی

اشعاری درباره شهید قاضی طباطبایی

مباحث کلّی و نکته های ضروری در برنامه سازی

مباحث کلّی و نکته های ضروری در برنامه سازی

آیت الله قاضی از خاندان دانش و فضیلت بود و با توجه به این موضوع، برای پیمودن راه دانش بسیار کوشید و توانست از عالمان بسیاری، اجازه اجتهاد و حدیث بگیرد. تألیفات او دقیق و عمیق است و نسخه های خطی ارزشمندی را که احیا کرد، درباره مباحث و مبانی دینی بود. همچنین کتابخانه ای ارزشمند دارای نسخه های خطی نفیس و آثار کم نظیر داشت. ایشان افزون بر جنبه علمی، شیفته اهل بیت(ع) بود و به توسل و پیوند معنوی با خاندان عترت علاقه ویژه ای داشت. او نه تنها خودش به مبارزه و همگامی با نهضت امام خمینی رحمه الله روی آورد، بلکه در آذربایجان از این حرکت مقدس، دفاع و مبارزان را سازمان دهی می کرد، به گونه ای که به «خمینی آذربایجان» معروف شد. ساواک از استواری و پایداری او در عرصه های سیاسی و اجتماعی هراسان بود و چندین بار او را به شهرهای گوناگون کشور، از جمله مشهد، کرمان و زنجان تبعید کرد، ولی موفقیتی به دست نیاورد. او در عرصه های عمرانی و خدمات اجتماعی نیز جدّی بود. ایشان پس از پیروزی انقلاب، در نماز جمعه ها از نظام اسلامی و رهبری امام خمینی رحمه الله دفاع کرد و در برابر منافقان و سازش کاران ایستاد تا آنکه

گروهک فرقان وی را به شهادت رساند. بنابراین، برنامه سازان باید به جنبه های علمی، اجتماعی و فرهنگی ایشان بپردازند.

موضوع های برنامه سازی

موضوع های برنامه سازی

۱. پژوهشی درباره ویژگی های فکری، علمی و مبارزاتی خاندان شهید قاضی طباطبایی در ادوار تاریخی؛

۲. رمز موفقیت شهید قاضی در هم بستگی نیروهای مبارز و رهبری آنان در شمال غربی ایران، با وجود تنگناها و تنگ نظری های سازش کاران و وابستگان رژیم پهلوی و دشمنان دوست نما؛

۳. گفت وگو با بازماندگان، خویشاوندان و آشنایان شهید قاضی طباطبایی، به ویژه فرزندان شهید سید محمدتقی قاضی؛

۴. گفت وگو با پژوهشگرانی که درباره چگونگی مبارزه های ایشان پژوهش داشته اند، مانند رحیم نیک بخت، صمد اسماعیل زاده، حسین نجفی، علی اصغر شعردوست و محمد ابراهیم نژاد؛

۵. گردآوری خاطره هایی از حجج اسلام و آیات مکرم محمدحسین انزابی، عبدالحمید معادی خواه، محمدرضا مهدوی کنی، سید محمد الهی، سید محمد حسینی، سید حسین موسوی تبریزی، محمدحسن عبد یزدانی، محمدباقر صدوی، سید اسماعیل موسوی اصل، سید رضا حسینی (راننده شهید قاضی) و... درباره شهید قاضی؛

۶. تهیه گزارشی از تبعیدهای قاضی طباطبایی و بررسی هایی درباره متن دست نویس سفرنامه بافت وی؛

۷. بررسی عوامل معروف شدن قاضی طباطبایی؛ به «خمینی آذربایجان»

۸. بررسی برخورداری قاضی طباطبایی، از روحیه صلابت و قاطعیت، همراه با نرم خویی.

اشعاری درباره شهید قاضی طباطبایی

اشعاری درباره شهید قاضی طباطبایی

درباره نویسندگی و کتاب اول اربعین:

کلکِ مشکین تو هر دم که ز ما یاد کند

ببرد اجر دو صد بنده که آزاد کند

اربعینی که نوشتی تو ز روی تحقیق

به حقیقت، دل خواننده خود شاد کند

□ □ □

درباره تنهایی و پایداری، اولین شعر باباطاهر عریان مناسب است:

عاشق آن بی که دایم در بلا بی

به درد و رنج و محنت مبتلا بی

حسن آسا بنوشد کاسه زهر

حسین آسا شهید کربلا بی

برای فداکاری و جانبازی او در راه احیای ارزش های معنوی، این شعر صائب تبریزی مناسب است:

مردان ز جان خویش به آسان گذشته اند

خون خورده اند تا ز سر جان گذشته اند

فردای بازخواست چه آسوده خاطرند

امروز آن کسان که ز سامان گذشته اند

در غم فراق قاضی طباطبایی:

در فرقت تو چاره ای از اشک و آه نیست

جز اشک و آه بر غم هجران گواه نیست

رفتی و در فراق تو دل بی پناه شد

اینک به غیر یاد تو دل را پناه نیست

□ □ □

برای شهادت ایشان:

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند

روبه صفتان زشت خو را نکشند

گر عاشق صادقی ز کشتن مهراس

مردار بود هر آن که او را نکشند

کتاب نامه

الف) کتاب

۱. آقابزرگ تهرانی، شیخ محسن، طبقات اعلام الشیعه، نقباء البشر فی القرن الرابع عشر، مشهد، دارالمرتضی للنشر، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۲. ابراهیم نژاد، محمدابراهیم، (قاضی طباطبایی؛ قله شجاعت و ایثار) (دیدار با ابرار)، جلد ۴۰، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۳. اسماعیل زاده، صمد و رحیم نیک بخت، زندگی و مبارزات شهید آیت الله قاضی طباطبایی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۴. امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، مؤسسه الوفا، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.

۵. حلی، جمال الدین مقداد، اللوامع الالهیه فی مباحث الکلامیه، تحقیق و تعلیقه: سید محمد قاضی طباطبایی، تبریز، بی نا، چاپ اول، ۱۳۹۷ هـ.ق.

۶. رسولی، رضا، شهید قاضی طباطبایی (از مجموعه چلچراغ برای نوجوانان)، تهران، انتشارات مدرسه، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۷. روحانی [زیارتی]، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رحمه الله، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۱.

۸. شریف رازی، محمد، گنجینه دانشمندان (۹ جلدی)، تهران، اسلامیه، چاپ اول، ۱۳۵۲.

۹. شعردوست، علی اصغر، مجلس نشین قدس (یادواره پیش گام شهدای محراب؛ آیت الله قاضی طباطبایی)، قم، نشر دانش اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۴.

۱۰. عاصفی، محمد، مختصری از تاریخ زندگی علامه شهید قاضی طباطبایی، تبریز، چاپ شفق، چاپ اول، ۱۳۵۸.

۱۱. قاضی طباطبایی، سیدمحمدعلی، خاندان آل امیر عبدالوهاب، نسخه خطی، موجود در کتابخانه آیت الله قاضی (تبریز).

۱۲. ـــــــــــــــــــــ، سفرنامه بافت (کرمان)، نسخه خطی موجود در کتابخانه آیت الله قاضی طباطبایی (تبریز).

۱۳. ـــــــــــــــــــــ، تحقیق درباره اول اربعین حضرت سیدالشهدا(ع)، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید آیت الله قاضی طباطبایی، چاپ سوم، ۱۳۶۸.

۱۴. کاشف الغطا، محمدحسین، الفردوس الاعلی، با توضیحات و تعلیقات: قاضی طباطبایی، تبریز، بی نا، چاپ دوم، ۱۳۳۲.

۱۵. ـــــــــــــــــــــ، جنه المأوی، تدوین، تنظیم و توضیحات: آیت الله قاضی طباطبایی، تبریز، چاپ دوم، ۱۳۹۷ ه‍ـ.ق.

۱۶. گلی زواره، غلامرضا، کاروان علم و عرفان (سه جلدی)، قم، حضور، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۱۷. موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

۱۸. محیط طباطبایی زواره ای، سید محمد، تطّور حکومت در ایران بعد از اسلام، تهران، انتشارات بعثت، چاپ اول، ۱۳۶۷.

۱۹. مدرس تبریزی، میرزا محمدعلی، ریحانه الادب، تهران، خیام، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۲۰. نجفی، حسین، تنهایی و پایداری (روایتی از حیات و مبارزات شهید آیت الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی)، تبریز، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی و ستاد یادواره شهدای منطقه حکم آباد تبریز، چاپ اول، ۱۳۷۹.

ب) نشریه

«مصاحبه با آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل»، مجله پیام انقلاب، شماره ۹۶.

«ویژه نامه شهید قاضی طباطبایی» (به مناسبت اولین سالگرد شهادت)، روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱/۸/۱۳۶۱.

روزنامه رسالت، شماره ۱۳۹۴، ۱۲/۲/۱۳۵۸.

گلی زواره، غلامرضا، «پارسای پایدار»، ماهنامه پاسدار اسلام، شماره های ۲۰۳ و ۲۰۴.

۵. هفته نامه پیام انقلاب، شماره ۷۰، ۸/۸/۱۳۶۱.

۶. روزنامه افتخار ملی، چاپ تبریز، شماره ۳۰۰، ۱۹/۸/۱۳۷۰.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹